

شیوه‌های عمل امپریالیسم امریکا برای درهم شکستن انقلاب ایران

نامه
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۳۳
دوشنبه ۲۴ شهریور ۱۳۵۹، بهار ۱۵ ریال

مقاله‌ای که ویلیام سولیوان آخرین سفیر آمریکا در ایران در مجله سیاست خارجی چاپ واشنگتن در مورد نحوه‌های برخورد مقامات مسئول دستگاه دولتی آمریکا با انقلاب ایران منتشر ساخته (و ما برخی از قطعات آنرا در شماره‌های ۳۲۹ و ۳۳۱ نامه مردم آورده‌ایم)، بویژه از این لحاظ جالب است که بنحوی بارز نشان میدهد، دستگاه دولتی آمریکا در مقابله با انقلاب ایران دو شیوه عمل را برای رسیدن بیک هدف، موازی با یکدیگر و در

تلفیق با یکدیگر بکار برده است. یکی شیوه «کام به کام» شیوه «خزنده» و شیوه «سازش» شیوه حفظ دستگاه دولتی و بویژه ارتش «شاهنشاهی» و انتقال این دستگاه به زمامداران جدیدی که حاضر به تنگی کردن انقلاب از محتوی ضدامپریالیستی و خلقی بوده‌اند، یعنی مخالفتی اصولی و بنیادی با روابط وابستگی ایران با امپریالیسم سرگردگامی امپریالیسم امریکانداشتند و حداکثر خواست آنها در چارچوب مشروطیت بدون شاه، یعنی حفظ رژیم منهای

شاه محدود میشد و دیگری شیوه اعمال قهر سرکوب خونین انقلاب، کودتای نظامی که حاصل آن می‌بایستی بهمان نتیجه حفظ رژیم وابسته و زیر سلطه، با شاه یا بدون شاه، منجر شود. سولیوان در مقاله خود سعی می‌کند خود را و شیوه عمل خود را در مقابل شیوه عمل برژینسکی قرار دهد و این دو شیوه عمل را مخالف با یکدیگر جلوه دهد. ولی اندک دقتی در نوشته سولیوان نشان میدهد که این دو شیوه عمل اولاً دارای هدف واحدی بوده‌اند و

ثانیاً «خط سولیوان» و «خط برژینسکی» گاه برهم منطبق و گاه با در نظر گرفتن اوضاع انقلابی ایران موازی با یکدیگر تدارک می‌شده است، تا هر یک از آنها که قابل اجرا باشد، اعمال گردد. سولیوان مینویسد: «برژینسکی... قبلاً (قبل از اینکه شاه ایران را ترک کند) زنگار رابرت هاینز، معاون فرماندهی نیروهای مسلح آمریکا را در اروپا - که سابقاً نیز معاونت ژنرال الکساندر هیگ، فرمانده عالی پیمان ناتو را در اروپا، بصدقه داشت - به تهران

فرستاده بود. مأموریت هاینز، طبق برک مأموریتی که با ردا داده بودند، این بود که برای حفظ یکپارچگی نیروهای مسلح ایران و انتقال وفاداری آنها از شاه به بختیار اقدام کند. و نیز مینویسد: من «بوسیله یک رشته اقدامات کوشیدم زمینه را طوری فراهم سازم که برخی از رهبران چنجالی‌تر و بحث‌انگیزتر نیروهای مسلح ایران تصفیه و پاکسازی و به نحوی مورد تأیید دولت احتمالی مهدی بازرگان واقع شود... میان سران نیروهای مسلح و رهبران (سازشکار) انقلاب، قراردادهای مفصل و دقیق گذاشته شد. بنامند که برخی از افسران بلندمرتبه، همراه شاه، ایران را ترک کنند و بقیه نظامیان بگونه‌ای وفاداری خود را تغییر دهند که تمامیت ارضی حفظ شود...»

امریکا برای «پیشبرد مقاصد سیاسی خود» طی ۳۰ سال، ۲۱۵ بار به اعمال قهر متوسل شده است

صفحه ۲

خط برژینسکی

برژینسکی:

«... پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خینی، خصوصاً توسط اتحاد شوروی، حتماً به تضعیف مواضع سیاسی خارجی رژیم خینی منجر خواهد شد.» (از نامه برژینسکی، سد افا شده، توسط آقای بنی‌سدر رئیس جنهور)

رادوی اویسی (با خوشحالی):

«روابط سیاسی میان ایران و شوروی روز بروز تیره‌تر میشود.»

(از برنامه مورخ ۲۰ شهریور)

قلب زاده:

«روابط ایران و شوروی محدود خواهد شد.»

(از مصاحبه اخیر باخبرگزاری فرانسه)

خط مدافع انقلاب ایران

حجت الاسلام هاشمی رشتنجانی:

«من از به تیرگی گذاشتن روابط (ایران و شوروی) چیزی نمی‌بینم. روابط همان بوده که هست.»

(از مصاحبه مطبوعاتی در مجلس، ۲۰ مرداد ۵۹)

رادوی مسکو:

«اتحاد شوروی از نخستین روزهای انقلاب اسلامی در ایران، از این انقلاب پشتیبانی کرده و می‌کند. اتحاد شوروی در همه‌جای دشمنان انقلاب، یعنی امپریالیستها و صیویستها را فاش می‌سازد. کشور شوروی، صرف نظر از اینکه چه موافقی در راه حسن همجواری شوروی و ایران وجود آید، همیشه این سیاست را در مورد ایران دنبال خواهد کرد.»

(به نقل از کیهان، ۲۳ مرداد ۵۹)

رادوی مسکو:

وی (قلب زاده) محدود شدن مناسبات شوروی و ایران را پیشینی میکند. چرا؟ بخاطر نیل به چه هدفی؟ اتحاد شوروی و ایران همسایگان نزدیک هستند. این وضع امکاناتی برای برقراری همکاری بسیار ثمر بخش و متقابل سودمند فراهم میکند.

مابین ایران و شوروی هیچگونه مسائل مورد اختلاف ارضی و اقتصادی و سیاسی وجود ندارد. اتحاد شوروی در موضوع عدم مداخله کامل در امور ایران و رعایت دقیق حاکمیت کشور شمامست. این روش بنحوی کامل در جریان انقلاب اسلامی در ایران متجلی شد. در آن زمان اتحاد شوروی نه تنها تأیید کرد که حق ملت ایران را برای تعیین مستقل سرنوشت خود کاملاً محترم بشمارد، بلکه همچنین درخواست نمود که دیگر کشورها هم این حق را محترم بشمارند. لنین در زلف رهبر شوروی با زهم طی بیانات خود در آلماتا، روش اتحاد شوروی را تأیید کرد و اظهار داشت: ما کاملاً از این اصل پیروی می‌کنیم، که تنها خود ملت ایران می‌تواند تعیین کند، که از چه راه باید پیش برود، چنین است سیاست روشن اتحاد شوروی در مورد ایران.» (از برنامه مورخ ۱۹ شهریور ۵۹)

پیشنهاد ما برای خلع سلاح ضد انقلاب در کردستان

* تدوین طرح یا قانونی در زمینه تأمین و اجرای خواسته‌های مشروع خلق کرد

* رهائی از دام گسترده اعمال آمریکا برای نجات کردستان از بحران و جهنم سوزان جنگ

عمل تخریبی ستون پنجم آمریکا چیز دیگری نیست، مسئولان مسلکتی و بویژه کسانی که با مسائل کردستان سروکار داشته‌اند بچشم خود دیده‌اند. ولی با وجود این واقعیتها، ستون پنجم آمریکا میکوشد حوادث کردستان را - که

ستون پنجم امپریالیسم آمریکا در ایران، برای گمراه ساختن افکار عمومی و آماده کردن زمینه برای انواع توطئه‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران، طبق برنامه خاصی عمل میکند. یکی از بخشهای بسیار مهم و مؤثر این برنامه، قلب راهبیت و مواز گونه جلوه دادن مسائل و علل و معلولات و بدین وسیله مختل ساختن نظریه کلی اوضاع سیاسی ایرانست. طبیعی است که مقامات مسئول و تصمیم گیرنده و محافل سیاسی و اجتماعی و غیره اگر این دام گسترده ستون پنجم امپریالیسم را بروشنی نینند، در آن خواهند افتاد و عواقب آن نیز روشن است.

یکی از نمونه‌های دام گسترده ستون پنجم امپریالیسم آمریکارا در بحران کردستان - بر روشنی مشاهده می‌کنیم. امپریالیسم و عمل آشکار و نهان او از نخستین روزهای ازبیروزی انقلاب در ایران، جنبش رهائی بخش خلق کرد را بسوی گمراهی سوق داده و بخشی از آنرا بوضع مقابله سیاسی و مختصاً نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران کشاندند. ما شاهد خرابکاریها و توطئه‌ها و مفسده‌های عمال امپریالیسم در مسئله کردستان بوده و هستیم. از آنجمله‌اند: فجایع سندج و نقد و پاوه و قارنا و قلاتان، دادن گزارشهای دروغ و تحریک آمیز درباره کردستان، تحریم همه پرسی جمهوری اسلامی ایران و تحریم دیگر همه پرسیها و انتخاباتها برای ایجاد نهادها و جمهوری اسلامی ایران، تحریک مردم به مقابله مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران، تبدیل کردستان به کنگ انواع گروههای ضد انقلابی از قبیل کومله و شکرک، تشویق به ایجاد «جبهه مقاومت خلق» علیه خط خلقی و ضد امپریالیستی امام خمینی، ایجاد اخلال در راه حل مسأله آمیز مسئله کردستان که بارزترین نمونه آن علم کردن طرح ۲۶ ماده‌ای «هیئت نمایندگی خلق کرد» در برابر پیام تاریخی امام خمینی و تخریب و کارشکنی در مذاکرات کردستان و غیره و غیره بود این واقعیتها را که جز نتیجه

خود آنها را بوجود آورده. بپای نیروهای انقلابی و مدافعان صدیق جمهوری اسلامی ایران بنویسد و افرادی هم در دام این دروغ افتاده گرفتار دسیسه‌های ستون پنجم آمریکا می‌شوند. ستون پنجم آمریکا شایعه پخش میکند که حزب دمکرات «شاخه نظامی» حزب توده ایرانست و افرادی این دروغ شایع را علم می‌کنند. ستون پنجم آمریکا شایعه پخش میکند که «روسپا» برای «کردها» اسلحه می‌فرستد و کسانی بدون تأمل این افترا را تکرار میکنند.

بقیه در صفحه ۸

در صفحات بعد

لولو خور خوره‌های که بنام کمونیسم درست کرده‌اند

صفحه ۲

چهره‌های گوناگون پاکسازی

صفحه ۲

وحدت دو کشور سوریه و لیبی بر پایه مواضع ضد امپریالیستی و پایداری در برابر سیاست تجاوزکارانه اسرائیل

صفحه ۵

کودتای نظامی آمریکائی در ترکیه و خطرات ناشی از آن برای انقلاب ایران

صفحه ۷

گزارشی از وضع کارگران سبزی فروش دوره گرد

صفحه ۴

گزارشی از وضع روستائیان کمربند واقع در بین جاده شیراز - خرامه

صفحه ۵

تسلیت

ضایحه اسفناگیز درگذشت فرزند حجت الاسلام محمد مجتهد شبستری، نماینده محترم مجلس شورای اسلامی را به ایشان و خانواده محترم شبستری صمیمانه تسلیت می‌گوییم.

بدینسان در اینجا «خط سولیوان» و «خط برژینسکی» چنانکه مبینیم، حفظ تمامیت ارضی است. تفاوت فقط در این است که برژینسکی امیدوار بوده است که بتوان بختیاز را بر کرسی قدرت نشاند (برای من سولیوان) هم دستور رسید و گفته شد که دولت آمریکا بدون تردید از دولت بختیاز پشتیبانی و برای ابقاء آن کوشش خواهد کرد، ولی سولیوان بر آن بوده است که «بقای دولت بختیاز یک خیالواهی است» و باید زمینه انتقال ارتش را به دولت احتمالی مهدی بازرگان فراهم ساخت. هدف در این مرحله حفظ ارتش است تا بوسیله این ارتش بتوان در صورت لزوم کودتا کرد و انقلاب را در خون خفه کرد و یا بگونه‌ای مؤثر کنترل اوضاع را بدست گرفت» و در صورتی که این کنترل اوضاع خواست از دست برود باز بوسیله همین ارتش، کودتا کرد.

بدینسان ضمن کوشش برای عقیم کردن انقلاب ایران، اقدام به کودتا همیشه در دستور روز است. «خط برژینسکی» و «خط سولیوان» با یکدیگر تقاطع می‌کنند و این دو خط را مرکز واحدی (کاخ سفید و سیا) به عنوان شیوه‌های عمل که میتوانند جای یکدیگر را بر حسب اوضاع بگیرند، اداره مینمایند.

آنگاه که بر اثر قاطعیت انقلابی امام خمینی، میره بختیاز بی‌اثر می‌شود و انتقال قدرت حاکم از جبهه ارتش یکپارچه باونامکن میگردد، برژینسکی بوسیله هاینز در صدد کودتا بر می‌آید ولی برخلاف هاینز که عقیده داشت «در صورت برخورد ارتش با انقلابیون، بیروزی با ارتش خواهد بود، سولیوان بر آن بود که اگر به نظامیان دستور آتش کشیدن بروی مردم داده شود، ارتش از هم میپاشد. در نتیجه اسلحه نظامیان بدست مردم خواهد افتاد و دولت بازرگان، هنگامیکه سرکار آید، نخواهد توانست بسرعت و بگونه‌ای مؤثر کنترل اوضاع را بدست گیرد. به عبارت دیگر سولیوان عقیده داشته است که موقع کودتا نیست و میتوان، نه بوسیله دولت بختیاز، بلکه بوسیله دولت بازرگان انقلاب ایران را عقیم کرد و در عین حال ارتش را پاک. «مصالح آمریکا» حفظ کرد. بقیه در صفحه ۸

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

کمیسیون خارجی مجلس شورای اسلامی ایران طی نامه‌ای که در جلسه دروزمجلس قرائت شد، درخواست کرد مجلس در يك جلسه علنی مسئله گروگانهای جاسوس آمریکائی را بررسی و درباره سرنوشت آنها تصمیم بگیرد. در این جلسه همچنین تصویب شد که پاسخ مجلس ایران به نامه نمایندگان کنگره آمریکا با در نظر گرفتن نظریات نمایندگان که در جلسه دیروز پیرامون آن سخن گفتند، در کمیسیون خارجی مجلس تصویب و ارسال شود.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، رئیس مجلس وحدت سوریه و لیبی را تبریک گفت و مجلس، فسکوت گذاردن نامه دعوت رئیس‌جمهور به مجلس را تصویب کرد.

در جلسه دیروز نظریه کمیسیون خارجی مجلس در مورد مسئله جاسوسان آمریکائی به شرح زیر قرائت شد:

انقلاب اسلامی ایران گشاینده راهی نو در تاریخ بشر است که بخواست خداوند به پیروزی نهائی مستضعفین بر مستکبرین منتهی خواهد شد. و در این میان امریکای جهانخواه بعنوان شیطان بزرگ و مخرب است و کبار جهان بزرگترین دشمن استقلال و عظمت ما و مستضعفین جهان است. اشغال لانه جاسوسی آمریکا که در واقع مرکز اصلی حکومت بر سرنوشت ملت مسلمان ایران و پایگاه تجاوز آمریکا در منطقه به‌شمار می‌رود، در این رابطه است که معنا و مفهوم اصلی خود را باز می‌یابد. در دنیای سرسام‌زده کنونی که سودمندان همه روابط و مقررات بین‌المللی به نفع قدرتهای توسعه طلب تنظیم یا اجرا می‌گردند دانشجویان مسلمان بیرون خط امام به حرکت دست زدند که مورد تأیید امام بزرگ و امت قهرمان قرار گرفت. حرکتی که به مثابه فریاد مظلومیت ملتی قهرمان بود که راه بلند استقلال و آزادی را به پای خون پیموده است و می‌پایید تا به یاری خدا نظام داد بنیاد جمهوری اسلامی را بر ویرانه‌های رژیم وابسته پیشین بنا نهد. رهبر انقلاب و وجدان همیشه بیدار مردم شهیدپرور ایران اشغال لانه جاسوسی آمریکا را به حق انقلابی می‌نامند که از انقلاب اول بزرگتر است. امام امت امر رسیدگی به مسئله گروگانها را به مجلس شورای اسلامی منحول فرمودند و کمیسیون امور خارجه این موضوع را که در رابطه مستقیم با سیاست خارجی جمهوری اسلامی است جزو اولین و نه مهترین موضوعاتی یافت که می‌بایستی در جلسات این کمیسیون مطرح می‌کرد. همچنین منظور طی چند جلسه درباره اصل موضوع و شیوه رسیدگی به آن به بحث و تبادل نظر پرداخت و از سوی برادران عضو کمیسیون نقطه نظرهای گوناگونی ابراز گردید. ضمناً اعضای کمیسیون بطور غیررسمی نظر تعداد زیادی از نمایندگان محترم را در این زمینه جویا شدند و در نتیجه در آخرین نشست خود تصمیم به ارائه گزارش جاری به جلسه علنی مجلس شورای اسلامی گرفتند.

در زمینه شیوه رسیدگی به این مسئله دوفظریه وجود دارد که برض نمایندگان محترم میرسد، اولاً:

پس از پیروزی انقلاب، از مهترین وظایف دولت وقت یکی هم مسئله پاکسازی ارتش، نیروهای انتظامی، دستگاه دولتی، بخش خصوصی و مراکز تولیدی از عناصر طاغوتی، ساواکی، فاسد، دزد، رشوه‌گیر و رشوه‌خواه وابسته به رژیم پیشین بود. اگر دولتی واقعا انقلابی زمام امور را در دست داشت، می‌بایست دستگاه دولتی مانده از طاغوت را که، که فقط برای خدمت به امپریالیسم و رژیم وابسته بدان شکل گرفته بود، از غربال تنگبیز پاکسازی انقلابی بگذراند، افراد درستکار و مومن به انقلاب را، که از لیجن زار نظام طاغوتی، رنگ و بو نپذیرفته بودند، باقی گذارد و بقیه را به نسبت جرائمشان کیفر دهد.

ولی دولت موقت از این باور بسیار دور بود. زیر فشار افکار عمومت و با تأخیر طولانی، کسانی پاکسازی شدند که از مجرمان دست اول رژیم پیشین بودند، خود از کشور فراری شده و یا در چنگ عدالت دادگاههای انقلاب گرفتار آمده بودند. ولی بقیه بر سر پستهای خود باقی ماندند و چه بسا که عناصر مشکوک، زده دار و دشمن انقلاب مواضع حساسی را در ارتش، در ادارات دولتی و موسسات تولیدی اشغال کردند. دولت موقت با این بهانه سخیف که، نمی‌شود تمام کارمندان دولت و ارتش را به‌خوابانها ریخت، به فشار افکار عمومی پاسخ می‌گفت، و در واقع مسفله میکرد. این برخورد نادرست با مسئله مهم پاکسازی به آنجا انجامید که بسیاری از همکاران درجه اول وزیران و مدیران رژیم پیشین، ساواکی‌ها و رستاخیزی‌ها و سوءاستفاده کننده‌گان از بیت‌المال بر مواضع خود باقی ماندند.

امام خمینی به تکرار بر ضرورت پاکسازی تأکید کردند، ولی پاکسازی با آن محتوی که خواست امام و ف... و انقلاب بود، انجام نشد. بسیاری از هیئت‌های پاسازی در وزارتخانه‌ها و ادارات، یا از اختیارات کافی برخوردار نبودند و یا خود شایستگی لازم را نداشتند و در انجام وظیفه انقلابی خویش، حسابهای

نامه کمیسیون خارجی مجلس شورای اسلامی به مجلس: آمریکای جهانخواه بزرگترین دشمن ما و همه مستضعفین جهان است

لانه جاسوسی آمریکا، مرکز اصلی حکومت بر سرنوشت ملت مسلمان ایران و پایگاه تجاوز آمریکا در منطقه به‌شمار میرفت.

مجلس وحدت سوریه و لیبی را تبریک گفت.

نظر به ظرافت و پیچیدگی موضوع مجلس می‌تواند هیتی را انتخاب و راساً مامور رسیدگی به مسئله و حل و فصل آن گرداند. ثانیاً: می‌توان مسئله را «در جلسه علنی مجلس مطرح نمود تا نمایندگان محترم نقطه نظرهای خویش را ارائه دهند و آنگاه هیتی انتخاب و مامور اجرا و پیاده کردن اصول و ضوابطی گردد که از مجموع نظریات ارائه شده بدست می‌آید. در اینجا لازم است نظریه کمیسیون امور خارجه را در این زمینه با اطلاع برسانیم.

باتوجه به موقعیت خطیری که انقلاب در آن به سر می‌برد و با توجه به اینکه اشغال لانه جاسوسی و گروگان‌گیری به کل انقلاب و به تمامی مردمی که فداکارانه در صحنه پیکار گام نهاده‌اند مربوط می‌گردد و با توجه به اینکه در آستانه رسیدگی به امر گروگانها از سوی مجلس شورای اسلامی در خارج و داخل ایران تلاش جو ساختگی و تحمیل این بر فضای رسیدگی به این مسئله به چشم می‌خورد و با توجه به نقطه نظرهای گوناگونی که نمایندگان محترم در زمینه اصل مسئله و شیوه رسیدگی به آن ابراز داشته‌اند کمیسیون امور خارجه جلسه علنی مجلس شورای اسلامی را شایسته‌ترین پایگاه طرح مسئله و رسیدگی به آن و تصمیم‌گیری درباره آن می‌داند و معتقد است که تمامی نمایندگان که بحمدالله پای بند حفظ حیثیت انقلاب اصیل ایرانند می‌بایستی در پیشگاه ملت قهرمان و مسلمان ایران نظریات خویش را مطرح کنند و به نتیجه مطلوبی که درخور این انقلاب است برسند. طبیعی است که مجلس می‌تواند اصول مستخرج از نظریات نمایندگان را بعنوان چارچوب حل و فصل مسئله به وسیله هیتی که از سوی مجلس انتخاب می‌گردد اجرا و پیاده نماید. از ریاست مجلس شورای اسلامی تقاضا داریم که بحث پیرامون گزارش کمیسیون امور خارجه را در دستور کار یکی از جلسات علنی مجلس شورای اسلامی قرار دهد تا طبق تصمیم و رای نمایندگان محترم در این زمینه اقدام لازم بعمل آید.

مستضعفین را بالا ببریم
اولین سخنران قبل از دستور دیروز رضا اصفهانی بود. او از جمله گفت:
«قبل از انقلاب ملت مستضعف انتظاراتی داشت»

تبریک بر ای وحدت سوریه - لیبی
پس از پایان سخنرانیهای ناطقین پیش از دستور، آقای هاشمی رفسنجانی ضمن سخنانی از مجلس خواست

و بطور کلی توقع این بود که وقتی حکومت بدست مسلمانها و تشکیلات جمهوری اسلامی افتاد، وضع درست می‌شود، مستضعفین که سالهای سال، مروجیت کشیده و زیر ستم ثروتمندان قرار داشتند. اینها می‌خواستند به حق طبیعی خودشان برسند.

بیاد بیاورید مطالبی را که اعلام روز اول در بهشت‌زها فرمودند و نیز بعد از آمدنشان به قم گفتند که: باید مستضعفین را بالا ببریم و مستکبرین را به زمین بزنید و آنچه را که خواست اسلام و حق طبیعی مستضعفین است، تحقق بدهید. ولی به عللی که هم پیش شنیدید و خردمان درباره این مسئله دیدیم که این آرزو برآورده نشد. بی‌جهت نبود. که چند ماه پیش امام برای چندین بار فریادشان بلند شد که این چه حکومتی است. چه کردید؟

وی همچنین گفت: اکنون همان بیرحمان، همان سرمایه‌داران بزرگ، همان زمین‌خواران بزرگ در قالب کسانی که خدمت به انقلاب می‌کنند، درآمده‌اند و هرقوت مردم بخواهند حقشان را بگیرند، آنها را ضداً انقلاب نام می‌دهند.

وی در ادامه متذکر گردید: هستند کسانی که چند میلیارد ثروت اندوخته‌اند، و هیچکس نیست که از اینها بی‌سرمد اینها را از کجا آورده‌اید... بسیاری از برادران هستند که احساسشان این است که به این استضعاف اقتصادی خانه داده شود... مسئله اینست که جامعه در همین فقر باقی مانده، بی‌کاری است، بی‌مسکنی است، و هیچکدام از اینها اثر انقلاب اسلامی نیست که بخواهند از آنها سوء استفاده کنند... هدف اسلام تکامل معنویت است. این تکامل در این دنیا بدون جریانات مادی نمی‌تواند تحقق پیدا کند.

پس از پایان سخنان رضای اصفهانی، گروهی از نمایندگان به سخنان او اعتراض کردند. آقای رفسنجانی ضمن اشاره به دست آوردهای انقلاب که توسط حجت‌الاسلام باهنر اعلام شده است، گفت: «این کشور برای مجرمین خیلی خدمت کرده است. حقوق حداقل ۱۹ تومان به ۵۷ تومان رسید است.»

نظر به ظرافت و پیچیدگی موضوع مجلس می‌تواند هیتی را انتخاب و راساً مامور رسیدگی به مسئله و حل و فصل آن گرداند. ثانیاً: می‌توان مسئله را «در جلسه علنی مجلس مطرح نمود تا نمایندگان محترم نقطه نظرهای خویش را ارائه دهند و آنگاه هیتی انتخاب و مامور اجرا و پیاده کردن اصول و ضوابطی گردد که از مجموع نظریات ارائه شده بدست می‌آید. در اینجا لازم است نظریه کمیسیون امور خارجه را در این زمینه با اطلاع برسانیم.

باتوجه به موقعیت خطیری که انقلاب در آن به سر می‌برد و با توجه به اینکه اشغال لانه جاسوسی و گروگان‌گیری به کل انقلاب و به تمامی مردمی که فداکارانه در صحنه پیکار گام نهاده‌اند مربوط می‌گردد و با توجه به اینکه در آستانه رسیدگی به امر گروگانها از سوی مجلس شورای اسلامی در خارج و داخل ایران تلاش جو ساختگی و تحمیل این بر فضای رسیدگی به این مسئله به چشم می‌خورد و با توجه به نقطه نظرهای گوناگونی که نمایندگان محترم در زمینه اصل مسئله و شیوه رسیدگی به آن ابراز داشته‌اند کمیسیون امور خارجه جلسه علنی مجلس شورای اسلامی را شایسته‌ترین پایگاه طرح مسئله و رسیدگی به آن و تصمیم‌گیری درباره آن می‌داند و معتقد است که تمامی نمایندگان که بحمدالله پای بند حفظ حیثیت انقلاب اصیل ایرانند می‌بایستی در پیشگاه ملت قهرمان و مسلمان ایران نظریات خویش را مطرح کنند و به نتیجه مطلوبی که درخور این انقلاب است برسند. طبیعی است که مجلس می‌تواند اصول مستخرج از نظریات نمایندگان را بعنوان چارچوب حل و فصل مسئله به وسیله هیتی که از سوی مجلس انتخاب می‌گردد اجرا و پیاده نماید. از ریاست مجلس شورای اسلامی تقاضا داریم که بحث پیرامون گزارش کمیسیون امور خارجه را در دستور کار یکی از جلسات علنی مجلس شورای اسلامی قرار دهد تا طبق تصمیم و رای نمایندگان محترم در این زمینه اقدام لازم بعمل آید.

مستضعفین را بالا ببریم
اولین سخنران قبل از دستور دیروز رضا اصفهانی بود. او از جمله گفت:
«قبل از انقلاب ملت مستضعف انتظاراتی داشت»

تبریک بر ای وحدت سوریه - لیبی
پس از پایان سخنان رضای اصفهانی، گروهی از نمایندگان به سخنان او اعتراض کردند. آقای رفسنجانی ضمن سخنانی از مجلس خواست

و بطور کلی توقع این بود که وقتی حکومت بدست مسلمانها و تشکیلات جمهوری اسلامی افتاد، وضع درست می‌شود، مستضعفین که سالهای سال، مروجیت کشیده و زیر ستم ثروتمندان قرار داشتند. اینها می‌خواستند به حق طبیعی خودشان برسند.

بیاد بیاورید مطالبی را که اعلام روز اول در بهشت‌زها فرمودند و نیز بعد از آمدنشان به قم گفتند که: باید مستضعفین را بالا ببریم و مستکبرین را به زمین بزنید و آنچه را که خواست اسلام و حق طبیعی مستضعفین است، تحقق بدهید. ولی به عللی که هم پیش شنیدید و خردمان درباره این مسئله دیدیم که این آرزو برآورده نشد. بی‌جهت نبود. که چند ماه پیش امام برای چندین بار فریادشان بلند شد که این چه حکومتی است. چه کردید؟

وی همچنین گفت: اکنون همان بیرحمان، همان سرمایه‌داران بزرگ، همان زمین‌خواران بزرگ در قالب کسانی که خدمت به انقلاب می‌کنند، درآمده‌اند و هرقوت مردم بخواهند حقشان را بگیرند، آنها را ضداً انقلاب نام می‌دهند.

پس از ادامه متذکر گردید: هستند کسانی که چند میلیارد ثروت اندوخته‌اند، و هیچکس نیست که از اینها بی‌سرمد اینها را از کجا آورده‌اید... بسیاری از برادران هستند که به این استضعاف اقتصادی خانه داده شود... مسئله اینست که جامعه در همین فقر باقی مانده، بی‌کاری است، بی‌مسکنی است، و هیچکدام از اینها اثر انقلاب اسلامی نیست که بخواهند از آنها سوء استفاده کنند... هدف اسلام تکامل معنویت است. این تکامل در این دنیا بدون جریانات مادی نمی‌تواند تحقق پیدا کند.

که به اقدام انقلابی در کشور سوریه و لیبی در اتحاد علیه اسرائیل، تبریک بگویند. وی گفت:

سوریه و لیبی اولین گام را در جهت تشکیل یک جبهه نیرومند در برابر دولت اسرائیل و عمان امیر-پالیسم غرب در منطقه برداشته‌اند و در شرایطی که مصر و بعضی کشورهای مروج منطقه روی سازش دارند، و بدین ترتیب خطری برای انقلاب‌های منطقه ایجاد می‌کنند، این حرکت بسیار با ارزش است. حرکت وحدت‌آفرین این دو کشور بسیار با ارزش است و مخصوصاً در زمانی که انقلاب اسلامی ایران جا افتاده و کشور نیرومندی مثل ایران که در گذشته در زمان شاه مخلوع پشتوانه اسرائیل بود، امروز در صف مبارزان علیه اسرائیل قرار می‌گیرد. ما به این وحدت تبریک می‌گوئیم و از مجلس محترم اجازه می‌خواهم که بطور رسمی به مسئولان و پیشقدمان این اتحاد تبریک بگوئیم و کار آنها را تأیید کنیم و در موقع مناسب کمکهای لازم.

پس از پایان بررسی طرح دعوت از رئیس‌جمهور به مجلس، مخبر کمیسیون امور خارجه، آقای خاتمی گزارشی خود را در زمینه نامه جوابیه مجلس به کنگره آمریکا ارائه داد. این نامه از سوی مجلس شورای اسلامی خطاب به کنگره آمریکا و در جواب نامه گروهی از نمایندگان کنگره آمریکا به نمایندگان مجلس شورای اسلامی تنظیم شده است. در مورد این نامه گروهی از نمایندگان سخنانی ایراد کردند. از جمله آقای آیت تأکید داشت که: «اگر مجلس بخواهد این نامه را بنویسد من شخصا هیچگونه امضایی در زیر آن نخواهم گذاشت.»

وی همچنین پیشنهاد کرد که «این نامه با امضاء نمایندگانی که خواهان این نامه هستند مشخص شود.» پس از پایان سخنان نمایندگان قرار شد که این نامه با در نظر گرفتن پیشنهاد نمایندگان، از سوی کمیسیون امور خارجی تجدید و تدوین شود.

در پایان دکتر ساروخانی نماینده تبریز ضمن سخنانی گفت: تجارت خارجی باید صد درصد ملی شود و تمامیهای توزیع بوجود آید و دست منتحران کوتاه و جلوی آنها گرفته شود.

در حاشیة مجلس
مخالفت آقای یزدی
پس از آنکه استاد رضا اصفهانی گفت: «هستند کسانی که چند میلیارد ثروت اندوخته‌اند، و هیچکس از اینها نمی‌رسد اینها را از کجا آورده‌اید» جلسه مجلس بسیار متشنج شد. آقای دکتر ابراهیم یزدی از پرسشورترین مخالفان بود. رضا اصفهانی در جواب مخالفان گفت: «چرا هرقوت در مورد گرفتن احقاق حق مستضعفین صحبت می‌شود، از این‌جا و آنجا صدا بلند می‌شود»

تجربه و مومن به انقلاب را به جرم «چه» بودن بازنسسته و یا باز خرید کرده و بدینسان آنانرا از سر و آورده‌اند. در وزارت آموزش و پرورش کار پاکسازی و استخدام جدید شکل فتنش عقیده بخود گرفته و سر و صدای فراوان برانگیخته‌است. مثلا برخی از پرستارهای آموزش و پرورش منطقه ۱۳ تهران برای استخدام دبیر، صرفاً بمنظور دست یافتن به عقاید سیاسی و ایدئولوژیک داوطلبان است، که با موازین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تباین کامل دارد. اینکه يك دبیر داوطلب استخدام چغوچه کتابهای مطالعه میکند - که در فهرست سئوالات آمده است - فقط و فقط بمنظور اطلاع از طرز تفکر آن فرد داوطلب است و پس درحالیکه مرز پاکسازی و استخدام جدید تنها از میان باور به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و مخالفت با آن میکگذرد، يك معلم کافی است که مومن به انقلاب، وفادار به جمهوری اسلامی ایران و معتقد به خط امام باشد، در ایستورت - صرف‌نظر از عقایدسیاسی و مسلک - او در خدمت حفظ دستاوردهای انقلاب، دفاع از جمهوری اسلامی ایران و تحقق خط ضدامپریالیستی و خلقی امام خواهد بود ولاغیر، و این مسلماً بسود انقلاب است. در حالیکه چه بسیار عناصر ضدانقلابی که می‌توانند با تظاهر به دینداری پست‌های خود را حفظ کنند و سر فرصت اذهان کودکان را نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و رهبر انقلاب مشوب سازند. از آنجا که رسیدگی به کلیه پرونده‌های افراد مشمول پاکسازی نیاز به فرصت کافی دارد، ما پیشنهاد میکنیم که:

۱- مهلت رسیدگی به پرونده‌ها که روز هشتم شهریور به پایان رسید تمدید شود
۲- برای تشخیص ضداً انقلاب از انقلاب، فقط يك معیار وجود داشته باشد و آن ایمان به انقلاب، وفاداری به جمهوری اسلامی ایران و پشتیبانی از خط امام باشد، تا کسی را مجال سوءاستفاده و غرض‌ورزی باقی نماند.

چهره‌های گوناگون پاکسازی

متاسفانه قاطبیت انقلابی این هیئت‌های پاکسازی هم‌جا تأیید مسئولان مربوطه را بهمراه نداشته و احکام صادره، اینجا و آنجا، مورد اعتراض قرار گرفته‌است. گاه نیز هیئت‌های پاکسازی در جریان رسیدگی و پس از آن زیر فشار واقع شده‌اند، که موجب تأسف است. در مواردی دیده شده‌است که نه هیئت‌های پاکسازی بواسطی انقلاب و قانونی خود عمل کرده‌اند و نه مسئولان دولتی به این امر خطیر توجه لازم را مبذول داشته‌اند. آن عدم قاطبیت انقلابی و این بی‌توجهی موجب شده است که آخرین مهلت پاکسازی (روز هشتم شهریور) به پایان رسد و هنوز مره‌های مورد اعتماد رژیم پیشین در میان بیغ و مره‌های ماشین دولتی انقلاب باقی‌مانند، که با طبیع وظیفه‌ای جز خرابکاری و لنگ کردن کار دستگاه برعهده نخواهند داشت.

وجه دیگر پاکسازی، مسخ کردن محتوی این امر انقلابی از سوی برخی هیئت‌های پاکسازی است. افراد ناآگاه و یا مشکوک، که در هیئت‌های پاکسازی جای داشته و یا خود را جای داده‌اند، بجای آنکه عناصر نامطلوب و ضداً انقلاب را پاکسازی کنند، اینکار را بهانه دفع عناصر صادق انقلابی کرده‌اند، که به علل سیاسی و ایدئولوژیک هر گز با آنها توافق نداشته‌اند و اکنون فرصت تسویه حساب یافته‌اند. بیشترین پاک‌سازی از این نوع، در وزارت آموزش و پرورش انجام شده، که برخی از آموزگاران، دبیران و مدیران با

شخصی و گروشی، تسویه حسابها و غرض‌ورزیها را دخالت میدانند.

تجاوز نظامی نافرمان طبع ضربه‌های هشیارکننده بود. مردم دیدند که هلیکوپترها و هواپیماهای آمریکائی، که در دل شب در دشت کویر فرود آمدند، تا به تهران برسند و به «گروگانها» دست یابند و عملیات شوم خود را در سرنگونی نظام جمهوری اسلامی و پیروزی ضداً انقلاب، به ثمر برسانند، هزاران دست و مغز باید آنانرا گام به گام ارشاد کند و این دستها و مغرها جز از آن ضداً انقلاب نمیتواند باشد، که در تاروپود نهادهای دولتی، و ارتشی لانه کرده است. این بود که فشار افکار عمومی برای پاکسازی در دستگاه اداری و ارتشی افزایش یافت، و بویژه پس از توطئه کودتای ۱۸ تیر ماه که فرمان امام خمینی بر زدودن تمام آثار طاغوت تأکید میکرد، بار دیگر هیئت‌های پاکسازی ماموریت یافتند که با پیگیری و قاطبیت به کار خود ادامه دهند.

برخی از این هیئت‌ها موفق شده‌اند که بساواکیها و سایر عناصر ضداً انقلابی در حیطه عمل خود، که حتی تا معاونت وزیر و مقام مدیر کلی جای داشتند، حکم انفصال بدهند و آنها از ادارات بیرون بریزند و در احکام پیشین پاکسازی، که درباره عناصر طاغوتی و ساواکی با ارفاق بسیار صادر شده بود، تجدیدنظر نمایند و احکام کیفری درخور برای آنان صادر کنند.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

لولو خور خوره‌ای که بنام کمونیسم درست کرده‌اند

ولی ما با اطمینانی به محضی صخره‌صفت میدانیم که کمونیسم سستی صاحبش را به جانی نمی‌رساند، زیرا مطالقی که دانش انقلابی درباره جامعه و تاریخ می‌گوید، عین واقعیت است، دروغ نیست. در این جریان خطا، گمراهی، دشواری، نکست بوده است، ولی هرگز این عوامل به اصل قضیه بدل شده، بلکه اصل صداقت در مقابل حقیقت علمی و عدالت اجتماعی، اصل خدمت به بشریت همیشه بوده و هست. مارکسیست‌ها در جامعه‌های تحت رهبری خودشان، عجزات اقتصادی و فرهنگی بسیاری کرده‌اند، که اساساً منصف را متحیر می‌سازد، ولی مارکسیست‌ها هنوز، به علی که روشن است، برای سبیل به حاکم ایدئال خود می‌باید راه دشواری را طی کنند. در درجه اول سرمایه‌داری نیرومند و متجاوز جهانی و بر اساس آن لندن و واشنگتن با فشار و خرابکاری دائمی خود بر سر این راه مانع می‌ترانند. شما نمونه آنرا امروز در ایران می‌بینید. اگر در واقع با بیان و آقایی هستند که تمایلی به درک حقیقت ندارند، حزب ما حاضر است، بدون صحنه‌سازی‌های تبلیغاتی مفرضانه، دانش و اطلاع خود را در این زمینه در اختیار آنها بگذارد تا با توسل به نقل قول‌های نامربوط و ربط ناشیانه، مطالب غیرمرتبط، دست به سسسته‌نزدند. حقیقت نیروی را کدائی نمی‌کند. هر کس سیر چه می‌خواهد باور داشته باشد، میل خود اوست. ولی اگر می‌خواهد درباره یک مکتب فکری اظهار نظر کنید، لطفاً اول از آن مکتب فکری سردر پیورید، نه اینکه اباطیل "مارکس شاسان" غری رانقمیده نبحوار کنید و عنوان "انتقاد" از مارکسیسم تحویل بدهید.

چطور است که سخنان امپریالیستی در یک مورد ۱۰۰٪ غلط است و در مورد دیگر ۱۰۰٪ درست؟! کارمتمقدان صدی به اندیشه‌های انقلابی سوار است. در مقابل آنها سدی از سفطه و دروغ و تهمت و افتراء و ابتدال تا حد ریکترین دشناسها و جانورانه‌ترین فلدربها افراشته شده است. تعهد و ایثار و بزرگی لازم است که بیرون بینش انقلابی این سد دوزخی را بشکنند. ولی روشن است که تبع نروانی حقیقت سرانجام ظلمات را می‌برد. به قول حافظ:

به صدق کوش که خورشید را بد از غمت
که از دروغ سیه روی گشت صبح نخست

جاسوسی و نظامی امپریالیستی (حک علیه‌المان و ژاین را بباد آورید) و اینکه آنها در زیر آتش مستمر جاسوسی و نظامی و خرابکاری‌های معنی و مادی دشمن مجبور بودند از خاکستر نیستی قد علم کنند، صنایع بسازند، علم وهنر را بسط دهند، شهرها را احیا کنند و غیره و غیره.

امپریالیسم که خود کشورهای سوسیالیستی را دچار مخصه‌های دائمی کرده و می‌کند، آنوقت از خرابکاری انجام یافته خود بهره می‌گیرد و برای خود باصلاح دلیل می‌تراند، عیناً مانند مردکی اوپاش، که شما را با یک تنه خشن به داخل لجنزاری پرتاب کند و خودش با قهقهه شما را دست‌بیاندازد که "به. به. به. بین عجب سرو وضعی دارد!"

اگرستلا اتحاد شوروی جنگ داخلی (۱۹۲۱ - ۱۹۱۸) را با ده میلیون تلفات و جنگ دوم جهانی (۱۹۴۵ - ۱۹۴۱) را با بست میلیون تلفات از سر نمی‌گذرانند، امروز مدت‌ها بود که از جهت سرانسه تولید صنایع سنگین و سیک امریکا ریاست سرکذاشته بود. ولی ضایعات تنها جنگ دوم سصد میلیار دلار (به بهای دلار سال ۱۹۴۵) بود. اگر این سصد میلیارد دلار، که برابر یک تریلیون دلار امروز است، و آن ۲۰ میلیون جوان کشته می‌راند، رفتند اتحاد شوروی که امروز بیش از ۸۵٪ کل تولید امریکا را دارد، در کجا بود؟ یا همین امروز اگر اتحاد شوروی مجبور نمی‌شد بحش معتنا بهی از ثروت خود را صرف دفاع در برابر حتر جنگ امپریالیستی و کمک به کشورهای دوست کند، چه مجزات دیگری اقتصادش ساری آورد؟

این برت و بلا گوئی‌های تهوع آور علیه بینش مارکسیستی، که حتی از "اسوادترین" و "تربست" شده‌ترین افراد هم متاسفانه شنیده می‌شود، چون تهمت‌زدن به حقیقت است، واقعا درد ناک است، در قرآن آمده است، از کسی که برخداوند تهمت می‌بندد، ظالمتر کسیست؟ در همین سطح می‌توان گفت، از کسی که به حقیقت تهمت می‌بندد ستکارتر کیست؟

تجب آور و تاسف باری می‌بود، اگر علوم سید که طرف مطلب را خوب میدانند و با وجدان علمی حساس استدلال می‌کنند و سخنش و ایرادش وارد است. ولی متاسفانه شخص می‌بندد که طرف مطلب را کما هو حقه نمی‌داند، با وجدان آلوده سفسطه می‌کند و تهمت می‌رند و متدل می‌سازد و ایرادش را به تمام معنی "صدتایک غاز" است.

دچار حیرت و تاسف عمیق می‌شود. برای این بدیده غم انگیز چهار علت می‌توان شمرد:

- ۱- تبلیغات متمرکز و متراک همه‌قشره‌های ممتاز، از سرمایه‌دار و فئودال و خان‌های عسارو دولت‌های دست‌نشانده آنها در سراسر جهان، که قدرت اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی بسیار بزرگی را در اختیار دارند، به شکل هماهنگ و مستمر در راه بدنام و متدل کردن کمونیسم، از کشورهای سوسیالیستی گرفته تا احزاب انقلابی، آفندگفته‌اند و گفته‌اند، که باید امر بر بعضی از خود آنها هم مشتبه نده است. از نیروی اهریمنی تلقین و تکرار حداکثر استفاده شده است.
- ۲- نا آگاهی، کم آگاهی و بد آگاهی مسلط در کشورهای "جهان سوم". معمولاً اطلاع درباره جهان خارج، به ویژه درباره احزاب کمونیست و کارگری و کشورهای سوسیالیستی یانست، یا کم است و یا تحت تاثیر همان تبلیغات نادرست است.
- ۳- خرابکاری گروهی که به نام "کمونیسم" بجای مردم افتاده‌اند، مانند ماژوتست‌ها، پل‌پتی‌ها، حفیظ الله امن‌ها، یا کسانی که به دروغ از کمونیسم دم می‌زنند و عمال سیا و ابتلتجنس سرویس هستند و نظاهراتی می‌کنند و رو نهایی راد بر پیش می‌گیرند، که مردم را به حق از کمونیسم سیری می‌کنند. این یک نقشه آگاهانه برای "زشت‌سازی" کمونیسم است.
- ۴- علت آخر (که آخرین هست، ولی سبب کمترین نیست) دشواریهای تکامل خود انقلاب سوسیالیستی، خطاهای کودکی و حوانی، مجبور بودن کشورهای سوسیالیستی به مقابله با دستگاه عظیم

تبلیغات دوران "طاغوت"، به دستور امریکا در محیط نیروهای مسلح، درآمورشگاه‌های کشور و در فضای جامعه، تمام کوشش خود را صرف آن می‌کند که از کمونیسم، که یک فلسفه انسان دوستی است، لولو خور خوره و وحشتناکی درست کند و رژیم دست‌نشانده شاه بدست مردم سرنگون ند، ولی این جریان ناهنجار متاسفانه ادامه یافت و تا امروز هم ادامه دارد. انگیزه‌ها عوض شده، ولی محتسواوی اصلی دست نخورده باقی است. کماکان رادیو، تلویزیون، کتابهای درسی و غیردرسی، فیلمها، روزنامه‌ها مجلات از تبلیغات روراست یا دربرده، ناشیانه یا مودبانه، هوچی‌مانانه یا شبه علمی، علیه جنبش کمونیستی مارکس و انگلس و لنین - مالا مال است. چه چیزها که نمی‌گویند!

اشخاصی که از این بینش هیچ اطلاعی ندارند و کشورهای سوسیالیستی (به قول زنده آنها "بلوک شرق" را) اصلاً ندیده‌اند و نمی‌شناسند، مطالبی درباره این بینش و این کشورها بهم می‌بافند، که در قوطی هیچ عطاری پیدا نمی‌شود. هنوز افسانه‌های مبتدلی از قسبل اینکه به قول آنها "در کشور های کمونیستی" (و حال آنکه هنوز هیچ کشور کمونیستی تاکنون در جهان وجود خارجی ندارد و فقط کشورهای سوسیالیستی وجود دارند) زن من و زن تو معنایی ندارد، یا مردم نان خالی هم ندارند بخورند، یا هر کس نماز بخواند ده سال حبس میشود باهمه باید کارشاق بدنی انجام بدهند و الا سبب سبیری فرستاده می‌شوند یا احدی حق داشتن یک سندلی هم ندارد و امثال این نوع اباطیل خنده‌آور که روزی علیه "بلسویکها" روبراه کرده بودند، از بسیاری اشخاص شنیده می‌شود. آدم از این وضع

امریکا برای «پیشبرد مقاصد سیاسی خود» طی ۳۰ سال، ۲۱۵ بار

به اعمال قهر متوسل شده است



یکی از سربازان «سپاه واکنش سریع»

حمایت ناوگان نسیم در سواحل نزدیک سروت سیرو پیاده کرد. همچنین واحدهای امریکایی مستقر در جمهوری فدرال آلمان و نیروی هوایی ایالات متحده در این تجاوز شرکت هستند.

۶. کوبا: ۱۳۴۰

گروهی از مزدوران امریکا در ساحل جنوبی کوبا، در "خلیج خوک‌ها" پیاده شدند. سب افکنهای امریکایی ۲۶-ت، نیز در این عملیات شرکت کردند، هدف امریکا آن بود که دولت ضد امپریالیست و حلقی کاسترو را وارث و حکومتی وابسته به حودراجانش آن سازد.

۷. جمهوری دومینیکی: ۱۳۴۴

نیروهای مسلح امریکا، با نقض منشور «سازمان کشورهای امریکایی» به جمهوری دومینیکی حمله کردند. هدف آنها آن بود که در آنجا "نظام

خانکه ویلیام فولبرایت، سناتور امریکایی، معترف است، ایالات متحده امریکا را، بخلاف ادعاهای تبلیغاتی رسمی آن کشور، نیروی خارجی تهدید نمی‌کند، بلکه این خطر را تنها در میل‌تاریسم داخلی باید دید.

به گزارش "انستیتو بروکینگز" ایالات متحده امریکا از ۱۱ دی ۱۳۲۵ تا ۱۰ دی ۱۳۵۴، بسرای "پیشبرد مقاصد سیاسی خود" ۲۱۵ بار، یعنی هر دو ماه یکبار، به اعمال قهر متوسل شده است.

مادر زیر تنها به ذکر چند نمونه از مداخلات نظامی بی‌شمار امپریالیسم امریکا در ۳۵ سال اخیر در دیگر نقاط جهان اکتفا می‌کنیم.

۱. چین: ۱۳۲۸-۱۳۲۴

صد و ده هزار سرباز و افسر امریکایی مهم‌ترین مراکز استراتژیک کشور را اشغال کردند. نیروی هوایی ایالات متحده امریکا به پشتیبانی مستقیم از نیروهای جانکاشک شتافت. هدف امریکا آن بود که، رژیم کومینتانگ را بر سر قدرت نگهدارد و بیکار آزادی-خواهانه مردم چین را سرکوب سازد.

۲. یونان: ۱۳۲۸-۱۳۲۵

ایالات متحده با مداخله نظامی خود به یاری نیروهای سلطنت طلب در جنگ خانگی شتافت. هواپیماهای امریکایی، به بهانه جلوگیری از کودتای کمونیست‌ها، نیروهای بریتانیایی را به یونان حمل کردند، ولی هدف راستین آنها پشتیبانی از نیرو-های ارتجاعی یونان بود.

۳. کره: ۱۳۲۹

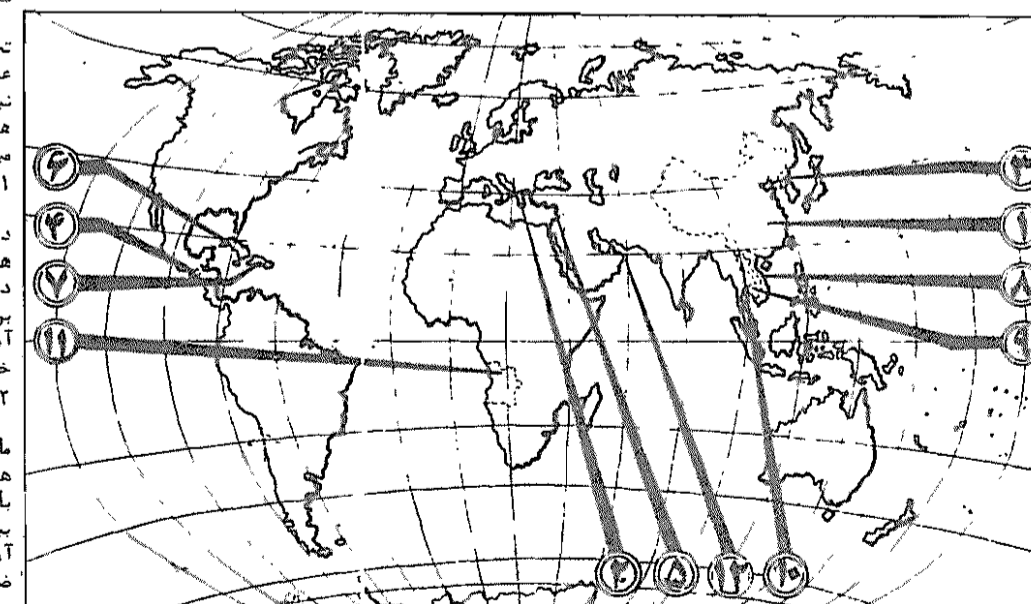
امریکا در عملیات نظامی رژیم کره جنوبی برای اشغال جمهوری دمکراتیک خلق کره شرکت جست، به گفته ماتئیوریچوی، فرمانده امریکایی، قصد ارتش امریکا آن بود که هر چه بیشتر چینی و کره‌ای را نابود سازد. در جریان تجاوز امریکا، ۱۳۰۰۰۰۰ کره‌ای جان سپردند.

۴. گواتمالا: ۱۳۳۳

نیروهای مسلح امریکا، به ویژه خلبانان ایالات متحده، به گواتمالا حمله ور شدند و رژیم قانونی آربنس را، که از سیاسی استقلال طلبانه بیرونی میکرد و ازگون ساختند.

۵. لبنان: ۱۳۳۷

تیپ دوم عملیاتی نیروی دریایی امریکا، زیر



آمریکا برای بازداشتن نیروهای ملی لائوس از تحکیم پیوندهای خود با جمهوری دمکراتیک ویتنام، عملیات نظامی فعالانه‌ای را علیه لائوس آغاز کرد. نیروهای سیشمار ارتش مزدور سایگون، به کمک نیروی هوایی امریکا، به تجاوز علیه مناطق جنوبی لائوس مبادرت ورزیدند.

۱۱. آنگولا: ۱۳۵۴

آمریکا نیروی هوایی خود را برای حمل اسلحه در اختیار هولدن وریتر، مزدور خود، قرار داد. هنری کیسینجر، وزیر خارجه امریکا، مبلغ ۱۴ میلیون دلار به کمک نظامی به اشراص تخصیص داد. علاوه بر این، ضد انقلابیون آنگولا نزدیکارنسانان امریکایی آموزش میدیدند. امریکا میخواست از این راه رژیم خلقی آنگولا را وارث و حکومتی وابسته به امریکا بسازد.

۱۲. ایران: ۱۳۵۹

امریکا، به بهانه "نجات گروگانها" سه ماجراجویی طیس اقدام ورزید. هواپیماها و هلیکوپترهای امریکایی، به کمک کشورهای ارتجاعی منطقه و بانقض آشکار ابتدایی ترین موازین و قوانین بین المللی به خاک ایران تجاوز کردند. هدف امریکا از این توطئه نافرجام آن بود، که به کمک ضد انقلاب داخلی نظام جمهوری اسلامی ایران را سرنگون سازد و با تحمیل دولتی وابسته دوران سیادت جیالوگرانه خود را در کشور ما از سرگیرد.

بقرار اباد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی

و دموکراتیک در جبهه متحد خلق

سبزی فروش های دوره گرد



عدای ابرکارگران و کشاورزان تولیدکننده نعمات مادی جامعه مابلت بیکاری و نداشتن زمین، بسه فروخته‌های دوره‌گرد تبدیل شده‌اند. سبزی از آنها به گفتگو نستیم. اومی گوید:

"اسم علی محمد صادقی و اهل روستای کم‌آب زون ملایر هستم. قبلا کشاورز بودم، ولی فقط سه جریب زمین داشتیم، که نصف بیشترش دیمی بود. اهوراتمان نگذشت و منجور سدیم مثل خیلی‌های دیگر به تهران بیاتیم.

حالا دوازده سال است در تهران هستم و تا کنون به انواع اقسام کارها دست زده‌ام. از شاگرد بنایی گرفته تا امروز گمی ببینید سبزی فروشی میکنم. از صبح ساعت ۴ که برای تهیه سبزی به میدان میروم، گاهی حتی تا ساعت ۸ شب درکوچه‌ها برسه میزنم، تا خرجی زن و بچه‌ام را پیدا کنم. روزی ۶۰۰ الی ۷۰۰ تومان درآمد دارم، ولی برای یک اتاق ۴×۳، در همین علی آبادخانه، ماهی بانصد تومسان کرایه می‌بردارم. تازه بول آب و برق راهم با صاحبخانه نصف می‌کنیم.

پنج ماه پیش بنیاد مسکن اسم ماراهم نوشت، ولی هنوز خبری از مسکن نشده است. چرا سبزی اینقدر گران است؟ از او پرسیدیم.

او گفت:

حرف آن‌ها نمی‌شود، " سبزی فروش دیگری درکوچه‌های اطراف میدان عاز برخیزدم. او هم کشاورز بود و سوزده سال است که اردت بزرگ مالکی به سهر روی آورده - است. او می‌گوید:

"اسم ولی ولیزاده و اهل سراب هستم. هم خودم وهم پدرم خیاط هستیم، ولی بانزده مااست که پدرم بیکار شده و سوزده‌ماه پیش هم مسن بیکار شدم. اگر کار برایتم فراهم باشد، سبزی فروشی را رعاً می‌کنم. بیکاری مرا مجبور به قبول این کار کرده است."

او هم عامل گرانی سبزی را از حسم واسطه‌های میدان می‌سید. او می‌گوید:

"هم زمان طاغوت وهم حالا، سرمایه‌دارها هروقت دلشان خواست بیکسویت دوریالی را دوریال می‌فروشدند و هیچکس هم نیست که جلوی آن‌ها را بگیرد."

داود سلحشور، سبزی فروش دوره‌گرد دستوی که تادرسال پیش از حسی‌های روستای مشکینجی اردبیل بوده است، می‌گوید:

"اگرچه ماشق و آب بدهند، زمین فردا راهی ولایت می‌نوم.

تمامات مشول بایدچاره‌ای عم برای فرزندتان دوره‌گرد سندنند. چون همه آن‌ها درانریستاری سه اس نوع کارها روی آوردند و هیچکس دام مابل ستنند که برای همیشه از دوره‌گردی درخیابان‌ها امرار معاش کنند.



کارگران کارگاه آتی‌ساز خواستار احقاق حقوق خود هستند

اخیراً "ماه سرکاده‌های ارطری سمند کارگر کارگاه "آتی‌ساز" (جکشی سابق) سننن شده است، که به لحاظ اهمیت، قسمتهای از ماسه را درج می‌کنیم. در این ماسه آمده است:

صاحب شرکت در زمان دولت موقت آقاسی مهندس بازرگان، آهن آلات و ماشین‌های شرکت را دزدید و در بازار تبدیل به ارز کرد و فرار کرد. ما کارگران بدون هیچ جسمداستی، بخاطر مبارزه علیه آمریکا، سرسخانه جرخهای انقلاب را بحرکت در- آوردیم و طی این مدت به مشولان گوتزد می‌گردیم که این کارگاه از نظر ایمنی و بهداشت کمبودهای گلی دارد.

در ماسه سس آمده است:

"اگر کارگری در حین کار بخاطر کمبود وسایل ایمنی مشوط میگردد... او را مانند حیوانی در سهر ماسینی که بودیه بیمارستان منتقل می‌گردند و به امان خدا رها می‌ساختند. او پس از بهبودی وقتی به کارگاه مراجعه می‌کرد، به او می‌گفتند: "سقوط تو بر اثر بی- احتیاطی خودت بوده و باید به اداره بیمه مراجعه کنی تا در صد حقوق خود را دریافت کنی."

وقتی این کارگر به بیمه مراجعه مسی کرد، نتیجه‌ای از کارش نمی‌گرفت، چون از طرف کارگاه لیست کارگران بیمه‌نده را به اداره بیمه نمی‌فرستادند کارگر مزبور باناراحتی به مشولین امر می‌گفت: شما که لیست رایه بیمه نمی‌فرستید، چرا ما هانه از حقوق من حق بیمه کسر می‌کنید؟

کارگران چندین بار برای احقاق حقوق خود به مقامات مشول مراجعه کردند، ولی نتیجه‌ای عاید آنها نند. کارگران بگروز در بیمن ماه ۵۸، بطور دسته‌جمعی به بنیاد علوی رفتند و خواستار اوسرگرفتن کار شدند، ولی مشولین با این خواست کارگران مخالف گرتدند. ظاهراً "تعطیل کارگاه بخاطر تعبیه وسائل ایمنی بود. طبق ماده ۵ قانون کار: اگر کارگاهی بخاطر تعبیه وسایل ایمنی و بهداشتی بخواهد تعطیل کند، باید حقوق کارگران آن کارگاه تارفع نقائص نماسا" برداخت شود.

روز ۵۹/۱/۱۰ کارگران سرکار حاضر شدند، ولی مساهد گرتدند که هیچ نوع وسایل ایمنی در کارگاه وجود ندارد. مشولین کارگاه حاضر شدند کارگران را بیدریند و به آنها گفتند که باید روز ۱۶ فروردین سر- کار حاضر شوند. همچنین آنها شروع کار را مشوط بسه اخراج نماینده کارگران گذاردند، که موفق نسنند. سس از حنن روز مهندسی کارگاه را عوض گرتدند و تعدادی از مهندسین احرافی سهرک اکباتان راه کار گماردند.

کارگران، که مسناق کار بودند، ملاحظه گرتدند که مصالح ساختمانی در اختیار آنها قرار نمی‌دهند و حتی تعداد هزار و صدواحد از مجموعه هزار وهفتصد واحد مسکونی را تعطیل کرده اند. آنها کارهایی به کارگران رجوع می‌گرتدند که مصادی مثل مشروف "آب در هاون کوبیدن" را داشت.

کارگران سس از حنن روز مشاهده گرتدند که مهندسی احرافی سهرک اکباتان، کم کاری و رکود و کارکنی را در این کارگاه رواج داده‌اند. کارگران به این جهت خواستار اخراج مهندسین مزبور شدند، ولی مشولین بجای اخراج آنها می‌خواهند کارگاه را دوباره تعطیل کنند. حتی کارفرما بمدت سه روز کارگاه را تعطیل کرد، ولی کارگران در تمام شهنامسغول یا سداري از کارگاه سندن، در سب سوم، عده‌ای مهاجم تا - سناي سه یکی از کارگران بنام هرمز صفری حمله ور سندن و با سگستن دو دندنان وی او را بیهوش بر زمین نهادند و فرار گرتدند.

کارگران خواستار رسیدگی فوری مشولین امر به این واقعه هستند و از آنها نقاضا می‌کنند که بسه خواسته‌های برحق کارگران جامه عمل بپوسانند و همچنین جلو تعطیل کارگاه را بگیرند.

گرانی روز افزون هزینه زندگی بردوش زحمتکشان سنگینی میکند

زحمتکشان را باید باتصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

"بله، بیمن جهت از سال ۱۳۳۹ تا کنون دارم قسط بانک میدهم و بازهم بایدبدهم." او در ادامه سخنانش اظهار داشت:

"آرزویم اینست که وضع اقتصاد کشور درست شود. مسئله بیکاری و گرانی حل شود و اختلاف بین مردم از بین برود."

به دومین گرامه‌ای که وارد شدیم، گرامه "نوروز زاده"، واقع در خیابان مختاری است. با یکی از کارگران سرسینه که ما موردادان لنگ وحوله به مشزریان است، گفتگو کردیم:

"اسم من محمدحسن عباسی است. بانزده سال است که روزی بانزده ساعت گارمیکتم و روزی پنجاه تومان دستمزد می‌گیرم. دریک اطاق اجاره‌ای که ماهی چهارصد تومان اجاره آن است، به اتفاق زن و پنج فرزندم زندگی می‌کنم. بیمه‌ستم، ولی از مخصی سالیانه، حق اولاد و سایر مزایا برخوردار نیستم. از وجود سندیکا اطلاعی ندارم. از مقامات مشول می‌خواهم که سطح دستمزد ما را بالا ببرند و ساعت کار ما را به هشت ساعت تقلیل دهند. همین."

با کارگر دیگری به نام قاسم مقصودلو، که دلاک گرامه "نوروز زاده" است، به گفتگو نشستیم:

"از ساعت شش صبح تا هشت بعد از ظهر اینجا

روزی ۲۰ تومان می‌گیرم و مشتری‌ها هم با دادن انعام مقداری از درآمد مرا تامین می‌کنند. سه سال است که در این حمام کار می‌کنم، نه بیمه هستم و نه سندیکائی داریم. ماسه خانسوار هستیم، که باهم یک خانه به مبلغ صدوهفتاد هزار تومان خریده‌ایم و هر ماهه هزار و صد تومان بابت قسط آن می‌برداریم.

دلم می‌خواهد وضع مملکت درست شود، ارزانی شود، تا ما هم بتوانیم زندگی بچه‌هایمان را اداره کنیم.

کارگر دیگری به نام یدالله اکبری گفت:

"سی و پنج ساله‌ستم. روزی ده تا دوازده ساعت کار می‌کنم. روزی شصت و سه تومان مسزد می‌گیرم و با انعام مشزریها درآمدم به صد تومان می‌رسد. بیمه هستم."

او در ماسه ما، که در مورد وجود سندیکا پرسیده بودیم، گفت:

"سندیکا باید به کار ما برسد. کارگران عضو سندیکا باید همه از مزایای بیمه استفاده کنند. ولی سندیکای فعلی به دردم کارگران نمی‌رسد و در حال تعطیل است."

از او پرسیدیم: خانه‌داری؟ در جواب سس بوزخندی گفت:

اخبار کارگری

کارگران گرامه‌ها دردشان مشترک است

کارگران گرامه‌ها، که سراسر زندگی‌شان در گرمای مرطوب و نمناک حمامها سری می‌شود، اکثر با به بیماری رماتیسم مبتلا هستند. دردهایشان مشترک، در آمدن کم و بدنتان خسته است. برای آگاهی از وضع کارگران گرامه‌ها، با چند تن از آنها به گفتگو نشستیم:

اولین گرامه مورد نظر ما، بنام گرامه "لوکس دریا"، در میدان راه آهن تهران واقع شده است. داخل حمام شدید، ولی از مشزری خبری نبود. یکی از کارگران حمام، بنام سگینه یونسسیان روبرو شدیم و از او خواستیم که از زندگی‌اش برای ما بگوید. او در پاسخ گفت:

"این حمام مشتری کم دارد، بخصوص ماه رمضان، که معمولاً تا ظهر بدون مشتری است. من از ساعت ۸ صبح تا ۷ شب اینجام هستم. از زن استاد

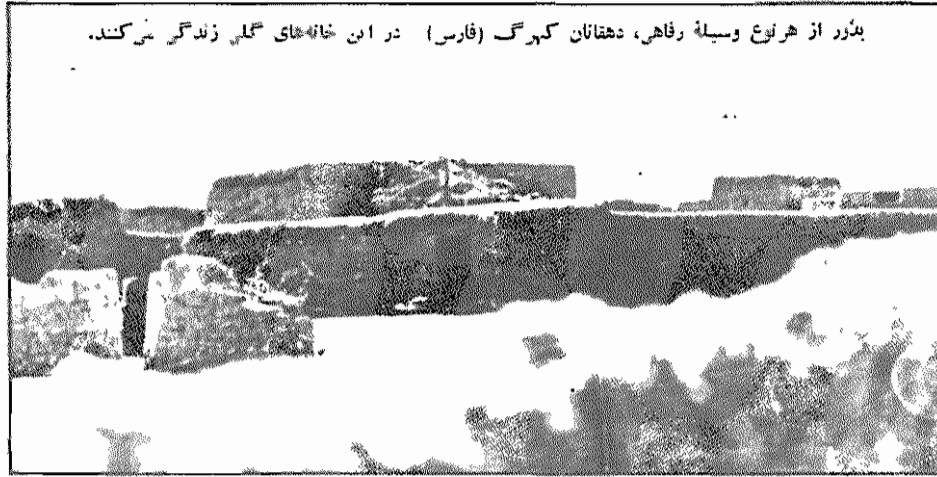
گرمای گرمای زمینک حمامها سری می‌شود، اکثر با به بیماری رماتیسم مبتلا هستند. دردهایشان مشترک، در آمدن کم و بدنتان خسته است. برای آگاهی از وضع کارگران گرامه‌ها، با چند تن از آنها به گفتگو نشستیم:

اولین گرامه مورد نظر ما، بنام گرامه "لوکس دریا"، در میدان راه آهن تهران واقع شده است. داخل حمام شدید، ولی از مشزری خبری نبود. یکی از کارگران حمام، بنام سگینه یونسسیان روبرو شدیم و از او خواستیم که از زندگی‌اش برای ما بگوید. او در پاسخ گفت:

"این حمام مشتری کم دارد، بخصوص ماه رمضان، که معمولاً تا ظهر بدون مشتری است. من از ساعت ۸ صبح تا ۷ شب اینجام هستم. از زن استاد

گذری به روستا

روستای کهرگ (کوه رگ)



بؤر از هرنوع وسیله رفاهی، دهقانان کهرگ (فارس) در این خانه‌های گرم زندگی می‌کنند.

روستای کهرگ در حاده سیران - خرامه بدره ۱۵ کیلومتری حرامه قرار دارد. در این روستا ۲۴ خانوار زندگی می‌کنند، که سابقاً از عشایر کوچنده بودند، ولی حدود ۲۵ سال پیش در این مکان اسکان داده شدند.

در دیماه طلبی که نامه مردم "سیرامون - وضع مسائل عشایر ایران داشت، اینک نمونه مشخص این روستا را به شما معرفی می‌کنیم:

وضع خانه‌های مسکونی این روستا بسیار اسباب است و به حدت سنگ و آهن در آنهاستوان است. مقدار زمین قابل کشت در این روستا نسبتاً زیاد است، ولی بر اثر اصلاحات "شاهانه" به عده زیادی ظلم شده است. عده‌ای بین ۲۰ هکتار زمین بوده، زیادی فقط ۳-۵ هکتار زمین دارند، ۲-۵ خانوار نیز خوش سنبلی هستند.

یکی از مالکان متولد، که حدود ۴۰ هکتار زمین داشت، با استعمار دهقانان، این زمین‌ها را کشت می‌کرد. ولی پس از پیروزی انقلاب، تمام ۲۴ خانوار کهرگ متحداً، زمینهای مالک را مصادره و بطور مساوی بین خود تقسیم کردند. یکی از دهقانان در این مورد می‌گوید:

"پس از خلع پد از مالک، خان سابق منطقه پدیدایش شد و ادعا کرد که زمین‌ها ما را اوست و به پاسگاه ژاندارمری شکایت برد. چون ما دیدیم که پاسگاه‌جاتب اورا می‌گیرد، به شیاه پاسداران خرامه مراجعه کردیم و گفتیم که این خان زورگو ما را تهدید کرده است که اگر زمین‌ها را پس ندهیم، خانه و خرمن و گشت ما را آتش خواهد زد. جوسختانه سیاه از او عهد گرفت که، اگر خرمن با حصول کسی آتش بگیرد، مسئول توستی". اقدام مردمی سیاه اسدازان موجب رضایت دهقانان و اسبدواری آنان به تدابیر آتی دولت - انقلاب شده است، در حالی که ژاندارمری ایجاد ناراضی و عدم اطمینان می‌کرد. مسئله آب یکی دیگر از مصطلات روستائیان - کهرگ است. برای ماه آب روستای پایستی انجام به بحر جابه و خرید موتور آب کرد، که دهقانان بی حیر از عهده این کار بر نمی‌آیند و در نتیجه مقدار محدودی از زمینهای خود را می‌بایست برکت ببرند. سلاک جوان روستایی می‌گوید:

" ما ۶ خانوار جمع شدیم تا آخر با قرض و - قولة يك موتور آب خریدیم، ولی خانواده من، که ۱۲ هکتار زمین دارد، فقط می‌تواند هکتار یک را، چون آب نداریم، از آن گذشته، آب این روستا شور است، (چه آب آشامیدنی و چه زراعتی) و از این نظر هم برای زمین زراعتی دهقانان و هم برای شرب آب آن مضر است.

یکی دیگر از روستائیان در مورد کراهه کساین لب به سکایت می‌گشاید:

"آقا این کمابین دارها پدر ما را در آورده اند و اقا دیگر چپالوگویی می‌کنند، برای دروگری هکتار ۲۵ تومان پول می‌خواهند، آخر ما از کجا اینهمه پول بیاوریم؟ چرا اینها با نرخ رسمی و دولتی کار نمی‌کنند؟ دولت باید جلوی این کمابین دارها را بگیرد، این مسئله به ما کشاورزان خیلی صدمه می‌زند. برای این روستا مسائل فقط یک کمابین آمده است، که آنهم با گروایه گرانی که می‌گیرد، مشکلی از روستائیان حل نمی‌گردد."

جهاد سارندگی در این مورد، به دلیل نبودن بودجه، نتوانسته است کاری انجام دهد.

این روستا فاقد برق، بهداشت، آب آشامیدنی شیرین است. حتی یک مغازه (فروشگاه) نیز در این روستا وجود ندارد و روستائیان برای خرید مایحتاج خود بایستی به روستای بزرگ خرامه و یا خرامه بروند.

روستای کهرگ یک باب دستان ۲ اتافه دارد، که تا کلاس پنجم ابتدایی در آن تدریس می‌شود. دانش آموزان برای ادامه تحصیل باید به خرامه یا بزرگ خرامه بروند.

این روستا خانه بهداشت دارد، ولی در دکتر و دارو در آن خبری نیست. در خانه باید افزود که، این منطقه از فارس دارای امکانات مناسبی برای کشاورزی است و دولت انقلاب باید توجه جدی به امر بسپرد کشاورزی و کمک به دهقانان در مورد وسائل کشاورزی و ماشین بودجه لازم بنماید. در درجه اول تقسیم عادلانه زمین در دهقانان و تشویق تعاونی تولید و همکاری کند دهقانان، با استفاده از سیستم‌های همیاری عشیره‌ای به منظور خودکفایی کشاورزی و بهبود وضع زندگی، ضروری است.

اخبار مردمی

پائین آمدن آب سد داریوش، به علت بی توجهی مسئولین شلتوک کاری را تا بیهوده می‌کند

در نزدیکی روستای مظفری بندجهان قرارداد این سد در زمان طاغوت خراب شد، و برای تعمیر آن یک میلیون تومان بودجه تعیین شد. ولی مسئولین به آن رسیدگی نکردند و بند همانطور خراب ماند. روستائیان مجبورند که هر سال با گل و چوب بند را تعمیر کنند. ولی در اواسط سال آب، گل و چوب را می‌برد و آب به اندازه کافی به زمینها نمی‌رسد. روستائیان خواهان رسیدگی به این مسئله هستند.

روستای مظفری خرامه، یکی از روستاهای ساحه استان فارس است. قبل از انقلاب مسئولین سد - داریوش از مالکان رعوه می‌گرفتند و آب را بیشتر به زمین آنها می‌رساندند بعد از پیروزی انقلاب وزارت رهن این مسئله، آب بدون کنترل و پستی بینی به روستای کشاورزی منطقه سرارسد. در نتیجه اکنون آب سد بایست آمده زمینهای شلتوک کاری ده مظفری و روستاهای محاور بدون آب مانده است، و اگر آب به این شلتوک کاریها برسد، همگی صانع خواهند شد.

به خواستهای اهالی روستای حر آباده رسیدگی کنید

که هیچ کاری برایمان نمی‌کند، فقط با این وام‌ها مشغولان کرده بود، ما از دولت انقلابی می‌خواهیم تا به جای این وامها، چاه عمیق و نیمه عمیق برایمان بزند، تا بتوانیم روستاهایمان را آباد کنیم. همیشه از قدیم گفته اند: آب و آبادانی تا آب نباشد وضعیت از این بهتر نمی‌شود. باید گندم بکاریم و حاصل آن هم هیچ است." برای اینکه روستائیان بتوانند برای نکستن "محاصره اقتصادی" امیرالاستنها و در رأس آنها آمریکا، محصولات بیشتری تولید کنند، باید آب را برای کالی در اختیار آنها گذاشت، همچنین با سرآوردن دسترخواستهای رفاهی روستائیان از قبیل: پرداخت وام مؤثر، در تولید، درمانگاه، آب - آشامیدنی، مدرسه، حمام و دیگر نیازهای اساسی، می‌تواند توطئه‌های ضد انقلاب در روستاها را عقیم نکند. پیشنهاد دهقانان در مورد شکل اعطای وام - خدمات مؤثر، در تولید و بطور جمعی - کاملاً درست است و باید عملی شود.

روستای حرآباد در ۴ رتسخی شمال اراک واقع است. این روستا حدود ۱۸۵ خانوار جمعیت دارد. این روستا هم‌امند دستر روستاهای وطنمان هیچگونه امکانات رفاهی، از جمله آب لوله‌کشی، مدرسه - راهشایی، درمانگاه، برق و ... ندارد. باینکه این روستا در ۲-۳ کیلومتری حاده اراک - برمهس واقع است و می‌تواند به راحتی از برق عبوری کنار حاده اسفاده کند، ولی به علت عدم امکانات مالی، رحمتگان این روستا نتوانند از برق استفاده کنند.

اهالی روستای حرآباد از جهاد سازندگی، این نهاد انقلابی، می‌خواهند که برای برقراری به این روستا، همانند ساحمان حمام، که توسط آنها در دست احداث است، به آنها کمک شود. یکی از اهالی در ارساطا و امی که دولت به روستائیان برای بهبود وضع کشاورزی آنها می‌دهد می‌گوید: "این وامها هیچ فایده‌ای ندارد. رژیم سابق



عمار هلو خرگام - رودبار زیتون

این دهقان پیر از پای در نیامده است، باو باید کمک کرد، تا قد راست کند و از زمین محصول کافی بردارد

پاسخ مسئولین به خواستهای دهقانان

درباسح یک حیردهقانی مندرج در نامه مردم، شماره ۲۷۶، مورخ ۵۹/۴/۱۶، نامه‌های ارطرف مدیر عامل شرکت برق منطقه‌ای گیلان یا شماره ۱۵۷۱۶ - ۵۹/۶/۸ در شماره مردم "مردم" ارسال گردیده، که عیما به شرح زیر نقل می‌گردد: "تأمین برق روستاهای تراکو، رجاکو و کوفت رود واقع در حومه بیروزار رشت، با توجه به اعتبارات تخصیصی و عدم امکانات اجرائی ارسال جسازی مقدور نمی‌باشد. نامه مردم - "صص سکرکار حس توجهمقامات مسئول، امید است که در سال آتی برق روستاهای اسمرده آمس و گوشه‌ای از مشکلات دهقانان رفع شود.

درباسح گزارشی از روستاهای کوچمه‌ها گیلان مندرج در نامه مردم شماره ۲۷۶، مورخ ۵۹/۴/۱۶/ ۵۹ نامه‌ای با شماره ۱۵۷۱۸ - ۵۹/۶/۲ از طرف مدیرعامل برق منطقه‌ای گیلان به دفتر نامه مردم، رسال گردیده است، که مطالب آن عیناً نقل می‌گردد. "برق رسانی به روستاها با توجه به اعتبارات تخصیصی و امکانات اجرائی و براساس برنامه تنظیمی و رعایت اولویتها انجام میسر و روستاهای بعضی کوچمیهان نیز از این قاعده مستثنی می‌باشد. نامه مردم - "صص سکرکار حس توجهمقامات مسئول، امیدواریم که مشکلات این روستاها نیز به موقع خود رفع شود و بدین ترتیب نقصانهای موجود در روستاهای کشور از جمله در منطقه گیلان کاسنی باید.

افتتاح دومین نمایشگاه جهانی صنایع بهداشت در مسکو

بازدیدکنندگان غرفه شوروی بیماری و مرکومیر اهالی است. در غره اتحاد شوروی، دیاکرام این نمودارها دیده می‌شود: ملی‌سالهای حکومت شوروی، طول متوسط عمر اهالی کشور ۴۹ سال افزایش یافته است. مرگ و میر عمومی بیش از ۴ بار و مرگ و میر در بین اطفال حدود ۱۰ بار کاهش پیدا کرده است. "الکسی سافونف" در پایان اظهار داشت: "ما برای نمایشگاه بهداشت - ۸۰، اهمیت زیادی قائل هستیم، در این نمایشگاه نه تنها پزشکان و جراحان و پرسنل بهداشتی، بلکه کارشناسان دیگر رشته‌ها، از جمله مهندسان، فزیکدانها، شیمیادانها و ریاضیدانها می‌توانند مشاهده کنند که چه میدان فعالیت گسترده‌ای برای آنها وجود دارد. ما منعمشم که نمایشگاه بدون تردید محرک برای رشد و پیشرفت فن خواهد شد. ما امیدواریم که آشنایندوایر و مترقی وسیع کارشناسان باتجربه و مترقی بهداشت، به بهره‌گیری هرچه وسیعتر از آن در کارهای روزمره کمک نماید. از سوی دیگر مدموین نمایشگاه می‌توانند در سبویوم‌های علمی که در روزهای کار نمایشگاه تشکیل می‌شود، شرکت کنند، از گزارشها و سخنرانیهای دانشمندان معروف، بی‌امون وضع فعلی و دورنمای پیشرفت علم طب، آگاه شوند."

بهداشت در سال ۱۹۷۴، به ابتکار دولت شوروی، در مسکو تشکیل شد. در دومین نمایشگاه بین‌المللی، توسط قریب هزار شرکت و کارخانه، بیش از ۸ هزار دستگاه و ابزار طبی بنمایش گذاشته شده است. طی این سالها رشته پزشکی با سبکهای متعدد جدید پیشگیری، تشخیص و معالجه بیماریها غنی‌تر شده و سطح تجویز فنی آن فوق‌العاده بالا رفته است. ما می‌توانیم امروز از دستاوردهای واقعی در رشته‌های ماوراء صوت، کریویون(سرمازانی) و لایز سخن بگوییم. برای مثال، در غره شوروی بیش از ۱۰ نوع دستگاه طبسی و جراحی، که از سیستم لایز استفاده می‌کنند و هم‌اکنون در کارخانه‌ها ساخته می‌شوند، بیماریهای ناشی از کمبودهای آهن در بدن، از جمله این دستگاهها می‌توان از دستگاههای انرژی زیاد نام برد، که در معالجه سرطان بکار برده می‌شوند و همچنین از لایزهای اسکالپ (چاقوی جراحی) که در عین حال خاصیت ضدعفونی و هموستاتیک (جلوگیری از خونریزی) دارند، می‌توان نام برد. اسکالپ - ۲، یکی از آخرین مدل‌های کاردهای جراحی است، که به جراحان امکان می‌دهد، تا هم‌زمان با عملیات جراحی جدی در داخل بدن، کار بخیزه‌زنی را هم با موفقیت انجام دهند. مهندسین شوروی یک سری کارد جراحی با فرکانس رادیویی دوگانه - اکتویاتوره (منمقدکننده خون) ساخته‌اند، که علاوه بر تمام رشته‌های جراحی قابل استفاده است. این دستگاهها با استفاده از فرایزستورهای قوی، مدارهای انتگرال و سیستمهای تثبیت فرکانس ساخته شده‌اند. در غره شوروی، که در آن جمعا ۳۲۰۰ دستگاه و ابزار طبی بمعرض نمایش گذارده شده است، می‌توان انواع جدید تجهیزات مخصوص سوسنات طبسی، پیرونیالکسی و دستگاههای گوناگونی را دید، که کار پرسنل درمانگاهها را آسان می‌سازند و آنها را از کار بی‌رحمت جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات لازم نجات می‌دهند. امروزه توسعه بهداشت تاحسد زیادی وابسته به پیشرفت تکنیک پزشکی است. و این امر یکی از مسائل پیچیده و بغرنجی است که در مقابل خدمات بهداشتی قرار دارد. تصادفی نیست که نمایشگاه، بنام "بهداشت - ۸۰" نامیده می‌شود. در این نمایشگاه نه تنها دستگاههای مجزا (ناگفته نماند که بسیاری از دستگاهها قبلی، تمام این دستگاهها در عمل دیده می‌شوند) بلکه تجهیزات فنی خدمات پزشکی و سیستم‌های بهداشت نیز بمعرض نمایش گذاشته شده‌اند.

دومین نمایشگاه بین‌المللی صنایع بهداشت در روز ۲۶ اوت ۱۹۸۰، در مسکو افتتاح شد. "بهداشت - ۸۰"، یک شرکت ۲۵ کشور، در مسکو افتتاح شد. "الکسی سافونف" یکی از رهبران کمیته تکنیلاتی نمایشگاه و معادیزه وزارت بهداشتی اتحاد شوروی، طی یک مساجحه با خبرنگار خبرگزاری نووستی، مطالبی را درباره این نمایشگاه اظهار داشت. اظهارات سافونف چنین بود: "این نمایشگاه بزرگترین نمایش گسترده صنعت بهداشت در تاریخ طب جهان خواهد بود. تشکیل این نمایشگاهها پندریب جنبه سنتی به خود می‌گیرد، زیرا حفظ سلامتی و تندرستی یکی از مبرم‌ترین مسائلی است که در برابر بشریت قرار دارد. در عصر ما، عصر پیشرفت سیل-آسای پروژه‌های فنی و پژوهشی علمی، امکانات بالقوه پزشکی مدام افزایش می‌یابد و برای آنکه بتوان این دستاوردهای علمی و فنی را سریرت در پرتیک روزمره پزشکی بکار برد، می‌باید گسترده اطلاعات بین اردی کثیرالمدد کارشناسان رشته پزشکی ضرورت مبرم کسب می‌کند. یکی از راههای مبادله اطلاعات، مشاهده دستاوردهای صنعت بهداشت است. اولین نمایشگاه صنایع

درجهان سوسیالیسم

در کشورهای اروپائی «شورای همیاری اقتصادی» کارگران اکثریت مطلق جامعه را تشکیل میدهند

جدول زیر شماره کارگران کشورهای اروپایی «شورای همیاری اقتصادی» را (به هزار) نشان میدهد:

کشور	۱۳۲۹	۱۳۳۹	۱۳۴۹	۱۳۵۷
بلغارستان	۸۰۶	۱۷۷۴	۲۷۴۹	۳۸۹۶
مجارستان	۱۸۲۵	۲۸۶۸	۳۶۱۶	۴۱۲۱
جمهوری - دیمکراتیک آلمان	۵۲۷۲	۶۴۱۹	۶۸۷۴	۷۴۵۲
لهستان	۵۰۶۶	۷۳۹۱	۱۰۲۶۰	۱۲۵۱۴
رومانی	۲۱۲۳	۲۳۴۹	۵۱۰۹	۶۹۵۶
اتحاد - شوروی	۴۰۴۲۰	۶۲۰۳۲	۹۰۱۸۶	۱۰۸۶۱۶
چکسلواکی	۳۴۶۴	۴۸۸۴	۶۱۹۰	۶۶۷۳

بیست و پنج سال پیش تنها در جمهوری دیمکراتیک آلمان و چکسلواکی طبقه کارگر در اکثریت بود... در بلغارستان و اتحاد شوروی بزرگترین گروه اجتماعی را تشکیل میداد (پیش از دوینجم سکنه)؛ در بلغارستان، لهستان و رومانی یک پنجم تا یک سوم جمعیت بود...

درجهان سرمایه داری

بازار کار خاکستری - بازار «مدرن» پرده فروشی

"بازار کار خاکستری" اصطلاحی است، که به "عاریه" دادن قانونی و غیرقانونی نیروی کار در کشورهای سرمایه داری اطلاق میشود...

در بازار کار خاکستری، موسساتی پدید آمده اند که بیکارها، زنان و مهاجران و غیره برای ساعات، روزها و ماههای معین به کارفرمایان قرض میدهند...

در ایالات متحده آمریکا، در کالیفرنیا، پرده فروشان قرن بیستم، کارگران روستایی "خود" و مهاجران مکزیک را در اختیار مزرعداران قرار میدهند...

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

درمطبوعات کشور

لیبرال ها را برانید

این سخنی بود که یک روز می بایست با صراحت گفته می شد. مردم انقلاب نکرده اند که زمام آن را به دست لیبرال ها بیاورند...

... مستضعفین نباید دیگر شیره مالیده شود و نمی شود... ای کسانی که از مصیبت قلب می خورید از مصالح و منافع مستضعفین پاسداری کنید!

(آزادگان - ۲۵ شهریور ۵۹)

رویدادهای جهان

وزیر اوقاف سوریه: اتحاد شوروی دوست اعراب و مسلمانان است

در کنفرانس بزرگ مسلمانان اتحاد شوروی، که در تاشکند برپا شده است، محمد الخاطب، وزیر اوقاف سوریه گفت:

"اتحاد شوروی دوست اعراب و مسلمانان است و ما امروز در مبارزه دشوار برای بازپس ستاندن حقوق حقه مردم فلسطین این حمایت را احساس می کنیم"

"محافل ارتجاعی می خواهند وحدت مسلمانان را از میان ببرند در این تلاش، به امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم خدمت میکنند و بدین ترتیب اجازه میدهند که معاملات خائنانه - ای مانند کمپ دیوید امضاء شود..."

محمد الخاطب گفت: "صهیونیست ها دست به جنایت جدیدی زده و بیت المقدس را به خاک خود منضم کرده اند"

بدنبال دیدار رهبران دو کشور: مقدمات وحدت سوریه و لیبی فراهم شد

حزب سوسیالیست بعث عرب سوریه و کنگره عمومی خلق لیبی اعلام کردند که بزودی اجلاسی برای ایجاد ارگانهای حکومتی یک کشور واحد تشکیل خواهند داد...

سوریه و لیبی تصمیم گرفته اند در زمینه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به وحدت کامل برسند...

مبارزه پیگیر با بیسوادی در آنگولا

گزارشهای رسیده از آنگولا نشان میدهد که مبارزه گسترده با بیسوادی در سراسر کشور با شدت ادامه دارد...

مردم آنگولا که در جریان حکومت استعماری صدها ساله در جهل و بی خبری نگاه داشته شده بودند، با شور و شوق فراوان در کلاسهای مبارزه با بیسوادی شرکت میکنند...

دولت انقلابی آنگولا، برغم توطئه های نژاد پرستان آفریقای جنوبی و حملات مکرر نیروهای نژاد پرست به خاک آنگولا، برنامه های وسیعی در کارخانه ها، مزارع، سربازخانه ها، تعاونی ها و غیره برای ازمیان بردن بیسوادی اجرا می کند...

سرکوب و ترور مبارزان در آفریقای جنوبی شدت یافت

کنفرانس همبستگی با مبارزه خلق نامی بیسوا برای آزادی و استقلال در پاریس برپا شده است...

روزی نژاد پرست آفریقای جنوبی به هیوجوه قصد ندارد مسئله نامی بیوا را حل کند، بلکه برعکس سرکوب و ترور علیه مبارزان را افزایش داده است...

سام نیوما تاکید کرد که نژاد پرستان آفریقای جنوبی خاک نامی بیوا را به پایگاه حمله به کشورهای همسایه از جمله آنگولا تبدیل کرده اند...

رویدادهای ایران

مردم کرج خواهان دستگیری رئیس ساواک این شهر هستند

به دنبال آزاد شدن سرهنگ پرنیانی، رئیس ساواک کرج از زندان، مردم کرج به مدت بهای عمل اعتراض دارند و خواستار دستگیری وی و اجرای عدالت در مورد او هستند...

سرهنگ پرنیانی، با توجه به حمایت ساواک در کرج، شاه حکم آیت اله خلیفای محکوم به اعدام بود، لیکن مدت محکومت او از طرف دادستانی - کرج، ابتدا به دهسال غلبیل نامت و سپس چندی پیش آزاد شد...

در ارتباط با همین موضوع، از طرف جوانان مسلمان پیرو امام کرج، اطلاعیه ای صادر شد...

ضد انقلاب آشکارا برای کودتاچیان اعدای راه پیمائی می کند

به دنبال اعدام یکی از کودتاچیان موسوم به غلامحسین خرقانی، عده ای از عوامل ضدانقلاب، متشکل از قاچاقچیان، اوباش و ساواکی ها، در خیابان مرتضوی تهران به عنوان عزاداری، تبلیغات وسیعی علیه انقلاب به راه انداختند...

چماق داران زیر نقاب مذهب به رهبر انقلاب توهین می کنند

عوامل مزدور امپریالیسم آمریکا در میهن ما، اخیرا فعالیت های خود را تشدید کرده اند...

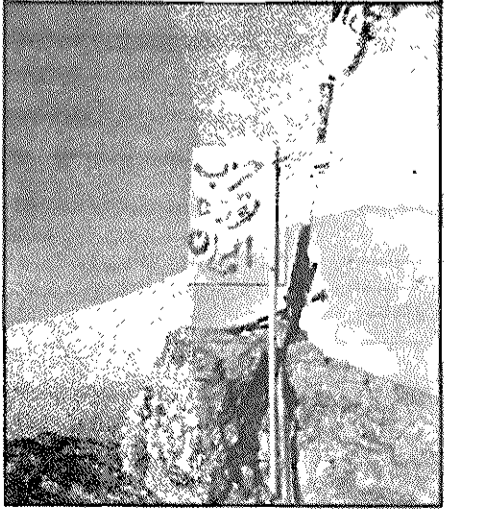
چند بار چماق دارانی، که بیافه "مذهبی" به خود گرفته اند، در خیابان دکتر فاطمی (آریامهر سابق) دست به تظاهرات زده اند...

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دیمکراتیک ایران در جنبه متحد خلق

شرکت «نامه مردم» در جشن «نوی واگ»، ارگان مرکزی حزب چپ - کمونیست های سوئد

جشن سالیان روزنامه «نوی داگ» ارگان مرکزی «حزب چپ - کمونیست های سوئد»، در روز های ۱-۲ شهریور ۱۳۵۹ در استکهلم برگزار شد...

بر بلندابند ایران...



«... نام پر افتخار حزب توده ایران را بر تابلو نوشتیم و بر بالاترین نقطه دماوند، بلندترین نقطه ایران عزیز قرارش دادیم...»

کودتای نظامی امریکائی در ترکیه و خطرات ناشی از آن برای انقلاب ایران

پایگاه نظامی و سربل تجاوز علیه جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دیموکراتیک افغانستان و کشورهای عضو جبهه پایداری از آنجمله سازمان آزادیبخش فلسطین، از اینجمله است تقویت نیروی نظامی اسرائیل، مصر، عربستان سعودی، عمان، پاکستان، امارات عربی، پشتیانی و واداشتن دولت بعثی عراق در عملیات تجاوزی علیه جمهوری اسلامی ایران، تاسیس پایگاههای نظامی جدید در خاک این کشورها و تبدیل بندر پیرا در سومالی به پایگاه نظامی دریائی. همه این اقدامات حلقهات زنجیره واحدی هستند که امریالیسم آمریکا بمنظور محاصره نظامی کشورهای مستقل ملی این منطقه و در درجه اول جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است.

از سوی دیگر عضویت ترکیه در پیمان نظامی تجاوزکار ناتو با موقعیت جغرافیائی و استراتژیکی نظامی آن، هم‌مرز بودن با اتحاد شوروی و جمهوری اسلامی ایران برای امریالیسم آمریکا، از چنان اهمیت و حساسیتی برخوردار بود که هرگونه تغییری در آن بعقیده استراتژی وزارت جنگ و دسپای آمریکا میتوانست بی‌آمدهای زیادبار و جبران‌ناپذیری برای امریالیسم آمریکا و دیگر دول امریالیستی‌عضو پیمان ناتو به‌همراه داشته باشد.

در فکر خاتمه دادن به چنین سیاستی و اتخاذ تدابیر جدی برای سالم‌سازی اقتصاد در راستای قطع وابستگی‌های سیاسی و نظامی و اقتصادی به دول امریالیستی و در درجه اول امریالیسم آمریکا باشند. برعکس آنها راه تعمیق و گسترش هرچه بیشتر این وابستگی را دنبال میکنند. همه اینها و تمهید و واگذاری پایگاه‌های نظامی به امریالیسم آمریکا و هم‌پیوندی نظامی هرچه بیشتر با پیمان نظامی ناتو موجب نارضائی روز-افزون مردم شد و در نتیجه خواست تحولات بنیادی در تمام شئون اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در میان اقشار و توده‌های وسیع جامعه مطرح گردید.

تدارک و انجام کودتای نظامی در ترکیه بدست ژنرالهای عالیرتبه وابسته به آمریکا جزئی از همین تدابیر و برای همان منظور است. علاوه بر این تمام طرحهای توطئه‌ها و مداخلات نظامی آمریکا که علیه جمهوری اسلامی ایران تدوین شده و گروههای ضد-انقلاب، مرکب از ارتشیان و ساواکیهای فراری ایران از عناصر اجرائی موثر آن هستند برهبری ماموران دوائر جاسوسی و وزارت دفاع آمریکا در این کشورهای وابسته به امریالیسم آمریکا بسج پیشوند و تمرین می‌بینند و آماده می‌گردند. بدین ترتیب کودتای نظامی امریکائی در ترکیه ضمن اهدافی که درمورد خود کشور ترکیه بسود امریالیسم آمریکا عملی میسازد یکی از حلقه‌های محاصره نظامی پشمار می‌رود که امریالیسم آمریکا دیوانه‌وار میکوشد به‌دور جمهوری اسلامی ایران بکشد.

شکوهمند مردم ایران و پیروزی انقلاب دیموکراتیک مردم افغانستان و استحکام بیانی اتحاد و همبستگی کشور-های عضو جبهه پایداری در برابر تجاوز اسرائیل و همه جنبشها و نیروهای ترقیخواه منطقه مجموعه سیاست و استراتژی نظامی خود را به‌مقیاس منطقه و در سطح جهانی با شکستی محتم و جبران‌ناپذیر روبرو می‌بینند برای نجات از چنین شکستی بر وسعت توطئه‌ها و تدارکات جنگی و حضور نظامی خود در این منطقه در دو زمینه تلاش میکنند: از یکسو مستقیماً تقویت نیرو-های نظامی دریائی و هوائی خود و استقرار واحدهائی از نیروی واکنش سریع در منطقه خلیج فارس، تنگه هرمز و اقیانوس هند و بازسازی و گسترش پایگاههای نظامی دریائی و هوائی خود در این منطقه، ازسوی دیگر بطور غیرمستقیم و به صورت افزایش کمکهای نظامی و تسلیحاتی به رژیمهای وابسته و دست‌نشانده خویش در کشورهای منطقه و تبدیل سرزمین این کشورها به

تحوالات انقلابی درمنطقه و بویژه پیروزی انقلاب شکوهمند ایران و استقرار جمهوری اسلامی ایران موجب انحلال پیمان نظامی سنتو گردید، و پیروزی انقلاب دیموکراتیک مردم افغانستان از عوامل مثبت و مهمی بودند که تأثیرات جدی و عمیق‌دردین مردم‌ترکیه باقی گذاشتند و میتوانستند در روند تکامل رویدادهای ترکیه تأثیراتی مثبت در جهت تضمین و از دست‌رفتن مواضع سیاسی و نظامی امریالیسم‌جهانی به‌سرگردگی امریالیسم آمریکا در ترکیه داشته باشند. بهمین علت امریالیسم آمریکا بر آن شد که با توسل به شیوه آزموده خود در مناطق مختلف جهان، یعنی کودتای نظامی، گروه ژنرالهای سرسپرده خویش را بر کشور حاکم سازد و روند تکامل حوادثی را که سرانجام آن میتوانست برای امریالیسم آمریکا زیانهای سنگینتری را همراه داشته باشد متوقف نماید.

پس از کودتای نظامی امریکائی در ترکیه که مت چهار بامداد روز جمعه به سرکردگی ژنرال ان‌آورن رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح ترکیه نام گرفت کابینه و پارلمان کشور منحل اعلام‌شد قانون اساسی به حالت تعلیق درآمد. ژنرال کنان‌آورن کرده کودتاچیان که مقام ریاست شورای نظامی را بده گرفت و ۲۴ ساعت پس از اجرای کودتا خود را س‌جمهور ترکیه اعلام کرد، انگیزه عمده این کودتا گسترش موج تروریسم و نابسامانی وضع اقتصادی نبود عنوان کرد.

مبارزات سیاسی در پارلمان ترکیه که طی چندماه زیر بر سر انتخاب رئیس‌جمهوری در گرفته بود، از امل برانگیزنده تشنجات حاوی بود که طی چندماه تیر سراسر ترکیه را فرا گرفته بود. جو حاکم بس شور موجب درگیریهای شدید و گسترش موج ملیات تروریستی در ترکیه شد. بود که محافل افراطی ست‌گرا و چپ‌نمایانی که عملاً بسود نقشه آمریکا بل میکردند، بدان دامن میزدند. در نتیجه این گریزهای خشونت‌آمیز طی چند ماهی که از سال اری میگذرد در حدود ۱۸۰۰ نفر قربانی این اقدامات وریدی شدند. ترورها عمدتاً از جانب نیروها وعناصر رابطی راستگرا و گروههای مائوئیستی، علیه عناصر نیروهای ترقیخواه انجام میگرفت.

بحران سیاسی که در ترکیه روزبروز عمیق‌تر میشد و تمام حیات اجتماعی و سیاسی کشور را دچار رج‌ومرج و ناامنی کرده بود ناشی از بحران اقتصادی حیق و همه‌جانبه‌ای بود که از مدت‌ها قبل برآثر سلطه سرمایه‌داران وابسته و زمینداران کلان و وابستگی بیق به انحصارات امریالیستی و همچنین در نتیجه سیاست نظامیگری و شرکت در پیمانهای نظامی امریالیستی گریبانگیر ترکیه گشته بود. زماداران این کشور، به اقتضای مایه‌طبقاتی‌شان اصولاً نمیتوانستند

اعلامیه سازمان جوانان توده ایران - رشت به مناسبت حمله به دفتر سازمان در رشت: در شرایط حساس کنونی، اعمال قانون شکنانه، تشنج آفرین و ایجاد نارضائی به‌نفع انقلاب نیست

مردم مبارز رشت، جوانان و دانش‌آموزان انقلابی! ساعت بیست و سه (۲۳) شب سه‌شنبه ۲۴ شهریور ۱۳۵۹ عده‌ای از افراد تحریک شده، که دربین‌شان تعدادی چاقوکش، مائوئیست و ساواکی‌نیز دیده شده‌اند، به دفتر سازمان جوانان توده ایران و کانون دانش‌آموزان ایران در رشت حمله کردند و پمداز تخریب ساختمان و آتش‌زدن کلیه کتابها، نشریات و اثاثیه موجود در ساختمان، در جلو چشم پاسداران و ماموران انتظامی آنرا به اشغال خود درآوردند. همانگونه که امام خمینی رهبر انقلاب، آیت‌الله موسوی‌اردبیلی دادستان کل کشور و دیگر مسئولین و مقامات جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده‌اند و ما نیز بکرات متذکر شده‌ایم، اینگونه اعمال خودسرانه و ناقض اصول مصرحه در قانون اساسی، باعث هرج و مرج، تفرقه‌صوف و مبارزان راستین ضدامریالیست و باعث خوشحالی ضدانقلابیون و کودتاچیان منتظر فرصت خواهد شد.

ما از مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران و مقامات مسئول در استان گیلان و شهرستان رشت می‌روسیم: با اینکه آقای موسوی‌اردبیلی دادستان کل کشور اعلام کرده‌اند: «اگر افرادی به‌این کار ادامه دهند تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت»، چگونه باز عده‌ای میتوانند بدون تعقیب قانونی، بخود اجازه دهند که ساختمان یک سازمان علنی، قانونی و در خط انقلاب را اینچنین تخریب کنند و آنرا باشغال خود درآورند؟ چرا جلوی اعمال خرابکارانه و ضدانقلابی این افراد گرفته‌نشود؟ سازمان جوانان توده ایران باستناد نشریات و اعلامیه‌های خود، بمثابة یکی از شایسته‌ترین سازمان‌های پیشاز جوانان ایران - چه قبل و چه بعد از انقلاب شکوهمند مردم ایران - همواره نقش انقلابی، دشمن-برانداز و سازنده خود را، در پشتیبانی از خط قاطع و سازش‌ناپذیر امام خمینی ایفا کرده‌است. بعقیده ما حمله به دفتر سازمان ما، حمله به دفتر یکی از رزمنده‌ترین گردانهای مبارز ضدامریالیست است، وتبجاً عملی است - آگاهانه یا ناآگاهانه - به نفع امریالیسم جهانی، بسرکردگی امریالیسم آمریکا، و ایادی مزدور داخلی آن، که در شرایط حساس کنونی با تمام توان اهریمنی خویش، گسترده‌ترین توطئه‌ها را یکی‌پس‌از دیگری، علیه جمهوری اسلامی ایران سازمان می‌دهند.

براین اساس، سازمان جوانان توده ایران - رشت شدیداً اعتراض خویش را نسبت به این یورش وحشیانه اعلام میدارد و علیه این اقدامات اعلام جرم میکند و از مقامات جمهوری اسلامی ایران و مسئولین امر در استان گیلان میطلبد که نسبت به دستگیری و مجازات عوامل این یورش و نسبت به استرداد دفتر سازمان ما در رشت و اموال موجود در آن هرچه سریعتر اقدام کنند.

مردم مبارز رشت، جوانان و دانش‌آموزان انقلابی! در این شرایط حساس و سرنوشت‌ساز، که انقلاب در معرض خطر جدی امریالیسم و عمل داخلی آن قرار دارد، ضرورت حفظ هوشیاری، خونسردی و اتحاد همه نیروهای مترقی و ضدامریالیست در جهت حفظ و تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمند مردم ایران و دستاوردهای آن امری حیاتی است. بکوشیم تا با تحکیم اتحاد خود دسیسه‌های امریالیسم و ضدانقلاب را درجهت ایجاد تفرقه، تشنج و درگیری نقش بر آب سازیم.

سازمان جوانان توده ایران - رشت ۲۴ شهریور ۱۳۵۹

«ائتلاف خلق متحد»، دمکراتها و ضد فاشیست‌های پر تغال را به اتحاد فرا میخواند

«سوسیالیست» تاکنون تمایلی به اجای همکاری انتخاباتی سال پیش خود با «ائتلاف دمکراتیک» نشان نداده است. از سوی دیگر، همکاری آذربایون‌موردییر، وزیر مستعمرات سالارار، با «ائتلاف دمکراتیک» بسیاری از انتظار را بخود جلب کرده است.

پدیده جدید دیگر آنکه، برای نخستین بار سازمان فاشیستی «میرن» نیز در انتخابات شرکت میکند؛ تجزیه‌طلبان راستگرای آژور و مدیرا هم قصد دارند زیر عنوان «دمکراتهای آتلاتیک» مسائولتره نشین گردند. البته نه این گروه‌کپهای راست افراطی شانس پیروزی در انتخابات آینده را خواهند داشت و نه هفت دارو دسته چپ‌نمای مائوئیستی و تروستکستی، که به مرفق‌نامزد-هایی چند مبارزت‌رزیده‌اند.

در جبهه مقابل «ائتلاف دمکراتیک» «جبهه جمهوریخواه سوسیالیست» و «ائتلاف پووو اوئیديو» آرداردند. چنانکه پیشگویی‌های ماریوسوارش و دیگر رهبران «حزب سوسیالیست» رابابور کنیم، «جبهه جمهوریخواه سوسیالیست» مرکب از حزب نامبرده و دو گروهک دیگر، اکثریت مطلق آراء را بدست خواهد آورد. اما با کمی واقع‌بینی، چنین پیروزی‌بعید بنظر می‌رسد. هرچه‌باشد در صد آرای «حزب سوسیالیست» در انتخابات گذشته از ۳۵ به ۲۷ کاهش یافت. لیکن

تن جزو نامزدهای «ائتلاف دمکراتیک» هستند و بنوشته «اودریو»، تمام قرائن حاکی از آنست که «سائوتتو» (مقر دولت و پارلمان) به ستاد مرکزی انتخاباتی «ائتلاف دمکراتیک» مبدل خواهد شد.

اما چنانچه از خوشبینی هدفمندانه «ائتلاف دمکراتیک» بگذریم و به برخی از واقیعات سیاسی پر تغال بنگریم، چنین می‌نماید که پیروزی راستگرایان چندان مسلم نیست. در این زمینه، میتوان از دیادردن، تقریباً همه مواضع انتخاباتی از سوی «ائتلاف دمکراتیک» که گاهت بیوسته سطح زندگی، محدودیت حقوق‌زحمت‌کنان، رویارویی مداوم بسا سندیکاها و کارگران روستایی «آلتتو»، رئیس‌جمهور، «شورای انقلاب» دادگاهها و حتی قانون اساسی نام برد. فزون‌بیراین، دولت کنونی پیش‌نویس قانون انتخاباتی جدیدی را نیز تهیه کرده‌است که هدف آن تغییر باز هم بیشتر قانون‌عملی در راستای منافع «ائتلاف دمکراتیک» است. «شورای انقلاب» این پیش‌نویس را مغایر با قانون اساسی اعلام کرده و تاکنون مانع از طرح آن شده است.

ناظران سیاسی در لیبون‌این پدیده‌جالب رایادآور گردیده‌اند، که گروه «بهبودگران»، مرکب از برخی از اعضای سابق «حزب

تیم ملی ژیمناستیک برای اعزام به ارمنستان انتخاب شد

مسابقه‌های انتخابی تیم ملی ژیمناستیک جهت اعزام به ارمنستان شوروی پایان یافت. در پایان این رقابتها، که بین دوازده تن انجام‌شد، شش ژیمناست برای عضویت در تیم ملی انتخاب شدند که عبارتند از جواد خرسندی، حسن محمدقلی، امیر رحیمی اصفهانی، اسماعیل خرسندی، منصور دانی‌نژاد و جعفر درویش‌زاده.

این عده به همراه یک مربی، یک سرپرست و دو داور روز ۲۵ شهریور عازم ارمنستان شوروی خواهند شد.

آغاز مسابقات قهرمانی دو و میدانی ایران

مسابقات قهرمانی دوومیدانی ایران از روز چهارشنبه ۱۹ شهریور ماه بمدت ۴روز در تهران برگزار خواهد شد.

مسابقات قهرمانی معلولین

از روز ۲۰ شهریور ماه، اولین مسابقات قهرمانی کشور (معلولین) در رشته‌های بسکتبال، والیبال، تاده و نشسته، شنا، وزنه‌برداری، رومیدانی، شطرنج، تنیس روی‌میز، یلچرانی (سندلی چرخ‌دار) بسا رکت شش‌رشته‌ای تبریز، کرمانشاه، شیراز، اصفهان، تهران همدان آغاز خواهد شد. این مسابقات تا روز ۲۷ شهریور ادامه خواهد یافت.



تیم والیبال جوانان ایران در مسابقات قهرمانی آسیا

فدراسیون والیبال ایران اعلام کرد که با موافقت وزارت امور خارجه سازمان تربیت‌بدنی ایران، تیم والیبال جوانان ایران شرکت در مسابقه‌های قهرمانی جوانان آسیا، که از روز ۲۶ مهرماه در سئول برگزار خواهد شد، عازم این کشور می‌شود.

آنها که دست دوستان راستی را

خارجی ایران را پس زدند

* شورای انقلاب اصرار داشت ایران با نهضت های رهایی بخش و کشورهای سوریه، لیبی الجزایر روابط داشته باشد و دولت موقت کار به تأخیر می انداخت

«در این مورد (سیاست خارجی) شورای انقلاب اصرار داشت نهضت های آزادی بخش و کشورهای اسلامی چون الجزایر، سوریه و روابط خیلی سریعتر باشد. مقاومت در برابر امریالیسم آمریکا و امریالیست ها شدیدتر و قاطع تر باشد»

حجت الاسلام باهنر، هنگام ارائه کارنامه شورای انقلاب، با سبک بالا نشان داد که شورای انقلاب در زمینه سیاست خارجی موافق با سیاستی بوده است. این سیاست اگر از همان آغاز اعمال میشد، ایران در دستار انقلاب خود قرار می گرفت و می توانست «رحه ز» و دقت در دوستان و دشمنان خارجی خود را، که شناختن آنها نقش کلیدی در سرنوشت انقلاب ایران دارد، باز شناسد و از بسیاری از بی آید خطنانکه بعدی اجتناب کند.

اما نیروی بودند و هستند که با این سیاست مترقی و بحق شورای انقلاب مخالف بودند و هستند. این نیروها دانسته اند ایران را از دوستان راستین خود جدا می کنند و در راه تقویت و تعمیق انقلاب ایران سبک می اندازند.

بزرگان و بزرگان لیبرال ایران، که در بیکر دولت موقت شکل گرفته بود راس نیروهای قرار داشت و باز در دست از شناسایی دوستان و ایران و همکاری با آنها جلوگیری می کند. حجت الاسلام باهنر ارائه کارنامه شورای انقلاب درباره سیاست خارجی دولت موقت اقدامات دولت در این زمینه خیلی وسیع نبود»

در واقع دولت موقت با دفع الوقت و به تأخیر انداختن ایجاد راس کشورهای مترقی اسلامی، می کشید تا از راه آشتی با امریالیست ایران را بار دیگر به عرصه امریالیسم بیند. وزیر امور خارجه هم از سنجایی و یزدی گرفته تا قلب زاده دقیق در همین مسیر حرکت می کردند. دست به پهن خاطر بود که وزارت خارجه ایران نه تنها دوستی لیبی، الجزایر، یمن دمکراتیک، سوریه و حتی فلسطین را زده بلکه یورو «سیاست قلب زاده» کشید تا با اتحاد با ترکیه پاکستان بار دیگر پیمان امریالیستی ستون را احیاء کند.

اکون نزدیک به دو سال کرافتیم از دست رفته است. اما دیر نیست. اگر از تجربه پند گرفته شود. ایران انقلابی باید در تنگ در کنار دوستان واقعی انقلاب ایران قرار بگیرد. خوشبخت اتحاد ضد امریالیستی دو کشور مسلمان لیبی و سوریه و استقبال مسئول کشور از جمله نخست وزیر و تبریک مجلس شورای اسلام این مناسبت نشان میدهد که ایران انقلابی آماده فشردن دست در راستین انقلاب ایران است. از آن سو هم مراجعه پاپی کشورهای جبهه پایداری به مقامات مسئول ایران نشان میدهد که همه چیز شناسایی درست و همکاری با دوستان انقلاب ایران فراهم است. ما امیدواریم، هر چه زودتر، وزیر خارجه جدید ایران که نمی مخالف این سیاست باشد انتخاب و به کار مشغول شود تا هر چه زیان هایی که «سیاست قلب زاده» به ایران زده است جبران شود.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

هم به يك توده ای سپرده شود. ما فقط يك هدف و يك آرزو داریم - آنهم پايان دادن به جنگ برادری کس، نجات جمهوری اسلامی ایران از يك ورطه فرساینده محاطره - انگیز و تأمین صلح و آرامش و حق و عدالت برای همه خلقها و اقوام و قبائل ایران است.

اگر يك ارتش خارجی گردستان را اشغال کرده بود راه حل مسئله فقط زادن این بیگانه به زور نیروی نظامی بود. ولی گردستان مسکن خلقی است که هفتاد جدهش در این خاک مدفون است و خواست حقه و مشروع دارد و انرا نه می شود راند و نه می شود کار دیگری کرد. با این خلق و هیچ خلق دیگری جز از طریق پذیرفتن و اعلام و اجرای خواستهای برحق وی از هیچ طریق دیگری نمی توان و نباید رفتار کرد. حل مسئله گردستان و سرکوب ضد انقلاب در گردستان جز از این طریق ممکن نیست و تجربه گذشته این را ثابت کرده است. حوادث اسفنازی که در گردستان میگذرد ما را بر آن می داند که با احساس حس مسئولیت برادران و خواهران کرد خود را بار دیگر مورد خطاب قرار دهیم و سرنوشت اسفناز گردستان عراق را بیاد آنداریاوریم و به آنها بگویم که به مدهای بر طهارت ضد انقلاب گوش ندهد و بدانید که اگر خیر و سودی نصیب خلق کرد بشود، فقط از طریق دوستی و همبستگی با جمهوری اسلامی ایران ممکن خواهد شد. با احساس مسئولیت و ابتکار در

دست تفاهم و اتحاد بسوی جمهوری اسلامی ایران دراز نمودند و اعمال و توطئه های ضد انقلاب را افشا ساختند.

منظور از نوشتن این مطالب، آن نیست که مسائل عیان را بار دیگر بیان کنیم. بلکه اینست که همگان را متوجه سازیم که تپل از قضاوت و تصمیم گیری باید به گته مطلب برسیم و حقیقت امر را درک نمائیم و فقط در این صورت است که همه قضاوتها و اعمال ما درست خواهد بود. چنه سوزانی را که جنگ گردستان نام دارد سیاست امریالیسم آمریکا و ستون پنجم آن بوجود آورده است و لا غیر. این جنبه خواهی خلق کرد است و نه سیاست جمهوری اسلامی ایران. قریب ۲۰ ماه است، یعنی از همان فرای انقلاب، که در این سر زمین غارت شده و پلادیوم خون ریخته میشود، خون پیشمرگ، پاسدار، سرباز، سنی، شیعه، کرد، ترک، فارس و غیره، ویرانی شهرها، خرابی دهات، رکود کشاورزی، اختلال بازار و سربار همه آنها ختم و کین و وحشت، بگانه نموده است. این جنگ تحمیلی برادرگشی بوده است. دوستی و برادری که یکی از ارکان متن حفظ وحدت و استقلال ایران است سدمات فراموشی دیده است. جنبه ای که امریالیسم آمریکا در گردستان بر آفریده است باید خاموش کرد و آرامش و صلح و صف را در گردستان برقرار نمود.

برای رسیدن به این هدف باید خود را از اسارت تلقینات و افسونگرهای عمال آشکار و پنهان ستون پنجم آمریکا رها ساخت. باید از زمین محکم واقعیات عزیمت نمود تا بر منزل توفیق و کامیابی رسید. واقعیت بی چون و چرا اینست که در گردستان از طرفی موجودیت خلق کرد و خواستهای مشروع، حقه و قانونی او مطرح است و از طرف دیگر توطئه های خونی ستون پنجم آمریکا که این واقعیت را به آلت اجرای سیاست شیطانی خود مبدل کرده است. باید با اجرای خواستهای مشروع خلق کرد بزرگترین و یگانه زمینه سوء استفاده را در گردستان از دست ستون پنجم آمریکا بدر آورد.

خواستهای مشروع خلق کرد از جانب جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده است. پیام تاریخی امام خمینی مورخ ۲۶ آبانماه ۱۳۵۸، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سخنان اخیر امام خمینی خطاب به روحانیون گردستان که بدیدار امام آمده بودند، مبنای حقوقی و سیاسی پذیرش خواستهای مشروع خلق کرد است.

پیشنهاد ما برای...

بقیه از صفحه ۱

ستون پنجم آمریکا شایعه پختی میکند که حزب توده ایران سلسله جنبان حوادث گردستان است و افرادی در دام این لژدبان بوجدان می افتند.

کسانی که در این دامها گرفتار میشوند از یاد می برند که یگانه نیروی سیاسی که از همان آغاز برای خنثی کردن نقشه های امریالیسم در گردستان با تمام امکانات خود کوشیده و باز هم می کشد حزب توده ایران است.

توده ایها در گردستان یگانه کسانی بودند که در جوی که ضد انقلاب و عمال امریالیسم در گردستان ایجاد کرده بودند در دیوار شهرها بر ازشعارهای ضد انقلابی علیه جمهوری اسلامی ایران و رهبری انقلاب بود، در میان محاصره اتش و بازوت و تهدید مسلحانه ضد انقلاب بزرگترین خطر هارا بجان خریدند و برای بار اول در گردستان در جلسات و گرد هم نیای آشکار و بی پرده به هزاران نفر از مردم گردستان گفتند که ای مردم، راهی که شما را در آن انداخته اند گمراهی است، از آن برگردید و دست بدمت جمهوری اسلامی ایران بدهید. اینگونه افراد صفحات نامی «مردم» را نادیده میگیرند که اولین روزنامه ایست که بر اساس اسناد و مدارک و رویدادهای مشخص و اطلاعات دقیق پرده از کرده های ضد انقلابی در گردستان، عناصر خود فرورخته ضد انقلابی در هر دو سو، دسیسه های حکومت یعنی عراق در گردستان، ضد انقلاب فراری کین کرده در عراق و دیگران برداشت و آنها را به جامعه ما و قبل از همه به مقامات مسئول کشور معرفی نمود. حزب توده ایران یگانه سازمان سیاسی کشور است که بر پایه درک واقعیات و منافع انقلاب طرح عملی حل مسئله گردستان را بی ریزی و بدولت ارائه نمود.

آنهایی که می کشند میان حزب توده ایران و رهبری کنونی حزب دمکرات گردستان ایران يك «وجه تشابه» و یا قرابت «کشف» کنند، باید افلا فکری می کردند که میان دوازدهمانی که در این مرحله انقلاب شمارها و عمل کردهایشان متضاد با همدیگر است چه قرابت و وجه تشابه می توان وجود داشته باشد. آری، حزب دمکرات گردستان در سال ۱۳۲۴ بر اساس انقلابی و روشنی تاسیس شد. ما المبنیان داریم که قضی محمد شریعتی رهبر و بنیانگذار حزب دمکرات گردستان اگر امروز زنده می بود دست در دست امام خمینی می نهاد و حزب دمکرات به پشتیبانی صدیق جمهوری اسلامی ایران مبدل میشد. اگر حزب دمکرات گردستان اصالت اولیه خود را حفظ میکرد و راه روشن و انقلابی قاضی محمد را می پیروید این فجایع بسر گردستان نمی آمد و گردستان به منشاء مخلصه و ددرس برای جمهوری اسلامی ایران مبدل نمی گشت.

اگر سیاست و روش رهبری کنونی حزب دمکرات گردستان کمترین وجه تشابه و قرابتی با حزب توده ایران می داشت راه حزب ما را می رفت و در سفدمدانان جمهوری اسلامی ایران قرار می گرفت. ولی متاسفانه چنین نشد. دساتن امریالیسم و عمال ضد انقلاب که در هر دو سو عمل می کردند و میکنند يك سازمان اصیل را به همیالکی کوملن ساخته سبیا تبدیل نمود و بالاخره کار بدانجا کشید که دمکراتهای اصیل وفادار به سنن و راه حزب خود، بنام «بیروان کنگره چهارم» حساب خود را از ضد انقلاب جدا کردند

تمام مضمون آنند.

«خط کودتا» خط سرکوب خونین انقلاب ایران، خط تهاجم نظامی مستقیم و یا بوسیله «جوجه شیطانی» و ضد انقلاب متشکل در خارج و در داخل نیز همچنان تقویت میشود. تهاجم نظامی مستقیم طبی، طرح کودتای ۱۸ تیر ماه با نقشه کشتار جمعی مردم، توطئه کودتاهای دیگر که طرح ریزی شده بوده اند و بگفته رئیس جمهور بموقع خنثی شده اند، جنگ تجاویزی فرسایشی عراق، آتش - افروزی ضد انقلابی در گردستان، تمرکز ناوگان آمریکا در آبهای خلیج فارس و دریای عربی، گسیل واحدهای واکتس سریع آمریکا، به منطقه خلیج و مصر، نقشه تشکیل يك دولت آزاد در خارج، نقشه تجزیه بخشی از خاک ایران و تشکیل «حکومتی» در آن...

شیوه های عمل امپریالیسم امریکا...

بقیه از صفحه ۱

بعقد سولیوان حفظ ارتش و انتقال آن به دولت بازرگان امکان میدهد که دولت بازرگان، هنگامیکه سرکار می آید بتواند «سرعت و بگونه ای مؤثر کنترل اوضاع را بجا بیاورد». و اگر تحول اوضاع چنان شد که این «کنترل» از دست رفت، آنکه کودتا کند.

«خط عقیم کردن انقلاب» و «خط سرکوب انقلاب بوسیله کودتا» بعد از پیروزی انقلاب نیز ادامه یافت. «خط عقیم کردن انقلاب» زیر عنوان «جون وابسته بوده ایم بناچار باید وابسته بمانیم» بعد از انقلاب، در دوران دولت موقت، بنام «خط گام به گام» معروف شد. این «خط» کوشید انقلاب را از محتوای ضد امریالیستی در خلقی آن تپه سازد. مناسبات آمریکا با ایران را که مناسبات «ظالم با مظلوم» بود اساساً با اندک تعدیلی حفظ کند، سرمایه داری بزرگ وابسته و زمین - داری بزرگ را که دویایه اجتماعی - اقتصادی سلطه امریالیسم به سرکردگی آمریکا در ایران بودند، از زیر ضربات گوینده انقلاب نجات دهند، دستگاه دولتی از جمله و بسویژه ارتش را از پاکسازی و نوسازی انقلابی محفوظ دارد، حتی ضد انقلاب و کارمندان ساواک را زیر عنوان جلوگیری از «انتقام جویی» از زیر ضربات کيفر انقلابی برهاند.

«خط گام به گام»، چنانکه میدانیم، در تضاد با «خط امام»، خط تعمیق انقلاب ضد امریالیستی و خلقی، خط قطع کامل وابستگی و تأمین استقلال همه جانبه کشور، خط نوسازی اقتصادی اجتماعی ایران بود مستضعفان قرار گرفت.

آنگاه فریاد بر آورد «آقا هم که ماشاء الله ما را کلافه کرده است» و علنا بانگ زد که «سهه بار» نه بار ما غلط کردیم که انقلاب کردیم.

مذاکرانی که در الجزایر بین آقای بازرگان بهرامی آقایان چمران و یزدی با برزیسکی صورت گرفت - متاسفانه هنوز چگونگی آن به اطلاع مردم ایران نرسیده - اوج تلاش «خط گام» بود. بدنبال آن، این «خط» شکست خورد ولی تسلیم نشد. «خط عقیم کردن» و مسخ انقلاب ایران هنوز هم در تلاش و تکاپو است و قلب زاده ها معرف تام و

ولی «خط» آمریکا که هدفش با توسل به دو شیوه عمل درم - شکستن انقلاب ایران است خطی است که چه قبل از پیروزی انقلاب و چه بعد از آن، چه در حال کنونی و چه برای آینده، دو عامل را در محاسبه نگرفته و نمیتواند بگیرد. یکی از این دو عامل، که عمده ترین عامل تعیین کننده است، نیروی انقلابی خلق بیخاسته است و عامل دیگر تناسب نیروها در عرصه بین المللی است. امریالیسم در وی تمام هم توانست این دو عامل و قدرت عمل آنها را محاسبه کند، در کوپاها نتوانست، در یم جنوبی (عدن) نتوانست، در هیچ کجای دیگر نتوانسته است و اصولاً نمیتواند این دو عامل را بحساب آورد. این از خصوصیات امریالیسم است.

انقلاب ایران علی رغم تلاش آمریکا برای عقیم کردن و مسخ آن و علیرغم همه توطئه برای سرکوب خونین آن، به نیروی توده های میلیونی که فدکارانه و جانبازانه بیخاسته اند، در شرایط بین المللی کنونی که امریالیسم بین المللی دیگر نه فقط قدر قدرت نیست بلکه قدرتش همواره تحلیل میرود پیروز خواهد شد و به پیروزی نهایی خواهد رسید.

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه مردم نیست)

**NAMEH
MARDOM**

No. 333
15 September 1980

Price:

West-Germany		
	0.80	DM
France	2	Fr.
Austria	8	Sch.
England	20	P.
Belgium	10	Fr.
Italy	350	L.
U.S.A.	40	Cts
Sweden	1.50	Skr.

باز کردن گره کور بحرار گردستان به دولت جمهوری اسلامی ایران باری نمائید. مسأله حفظ انقلاب ایران در برابر توطئه های امریالیسم آمریکا مطرح است. باید بخاطر این مسئله اصلی با جنم و گوش باز راه را از چاه باز شناسیم.